

گزارش معرفی شهر ورزش و بررسی معضلات آن

استاد راهنما: جناب آقای محمد رضا ایروانی

تهیه کننده: حمیده منصوری

۸۷۱۳۰۱۳۳۸

۹۱-۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم



فهرست مطالب:

فصل اول: معرفی شهر ورزنه.....	۵
معرفی شهر ورزنه.....	۶
وجه تسمیه.....	۶
اوضاع اقلیمی.....	۹
علل پیدایش شهر.....	۹
بافت قدیم ورزنه.....	۱۲
نوع پوشش زنان.....	۱۴
صنایع دستی.....	۱۵
سفره بافی.....	۱۶
مسجد جامع ورزنه.....	۱۸
پل قدیم ورزنه.....	۲۰
کبوتر خانه.....	۲۱
بادگیر.....	۲۲
انواع مسکن.....	۲۳
تصاویر زیبا از زنان چادر سفید.....	۲۶
فصل دوم: بررسی معضل طلاق در شهر ورزنه.....	۳۰
مقدمه.....	۳۱
علل طلاق در شهر ورزنه.....	۳۲
راهکارهای پیشنهادی درباره مشکل طلاق در ورزنه.....	۳۷

فصل سوم: گزارش علمی (طلاق).....	۳۹
تعریف طلاق.....	۴۰
انواع طلاق.....	۴۱
علل طلاق.....	۴۲
آمار طلاق.....	۵۳
پیامد های طلاق.....	۵۴
راهکارهای حل معضل طلاق.....	۵۸
فصل چهارم: گزارش بررسی معضل خشکسالی در شهر ورزنه.....	۶۴
مقدمه.....	۶۵
عوامل بروز خشکسالی در ورزنه.....	۶۷
مشکلات خشکسالی در ورزنه.....	۶۷
اقدام مردم ورزنه برای حل مشکلات خشکسالی.....	۶۹
تصاویر تجمع تراکتورها در منطقه بن رود.....	۷۴
راهکارهای پیشنهادی برای حل این مشکل.....	۷۷
فصل پنجم: گزارش علمی (خشکسالی).....	۷۸
تعریف خشکسالی.....	۷۹
علل خشکسالی در ایران.....	۸۰
اقدامات مقابله با خشکسالی.....	۸۲
جمع بندی.....	۸۴
فهرست منابع.....	۸۵

فصل اول

گزارش معرفی شهر ورزنه



معرفی شهر ورزنه:

شهر ورزنه مرکزبخش بن رود در فاصله ی صدوپنج کیلومتری جنوب شرقی شهر اصفهان قرار گرفته و محدود است از شمال به راه آهن سراسری ، از جنوب به اراضی مزروعی ورزنه، از شرق به اراضی مزروعی و تالاب گاوخونی(در فاصله بیست و پنج کیلومتری و نزدیکترین نقطه به تالاب) و از غرب به مزارع کشاورزی و روستاهای اشکهران و بزم و قلعه امام این شهر در طول جغرافیایی پنجاه و دودرجه و سی و نه دقیقه شرقی و عرض سی و دو درجه و بیست و پنج دقیقه ی شمالی واقع شده و یازده هزاروپانصد و چهل و نه نفر جمعیت و دویست و بیست و نه هکتار وسعت و تراکم در شهر معادل چهل و پنج نفر در هکتار و ارتفاع آن از سطح دریا هزارو چهارصدو هفتاد و پنج متر است و شهر ورزنه به شکل دایره بوده و گسترش به سوی شمال دارد و خندقی گرداگرد آن را از قدیم الایام قرار گرفته بعد از انقلاب روی آن را پوشانده و عنوان خیابان استفاده می شود رودخانه زاینده رود از شمال شهر عبور کرده شهر را به دو قسمت شمالی جنوبی تقسیم می کند قسمت شمالی آن نوساز، و تقریباً بعد از سال ۵۸ شکل گرفته و شهرک امام جعفر صادق علیه السلام نام دارد.(خلیلی، ۱۳۸۴: ۲۳)

وجه تسمیه ورزنه:

در کتب نامه های شهر ها و روستا های ایران، حتی در کتب لغت فارسی به ویژه لغت نامه ی دهخدا نشانی از این واژه دیده نمی شود، لذا احتمال می رود که چون در عهد حکمرانان سلجوقی که حکومت سیستان میراث خانوادگی آنان بوده واژه "ورزنه" که همان سیستانی "ورغنه و به معنی پهن و گسترده بود به این سرزمین اطلاق گردیده گرچه واژه های سیستانی خود ریشه در زبان زردشت دارد و از واژه های قراء و مزارع نزدیک شهر ورزنه می توان به بدان پی برد. مانند واژه ی مرزعه "یسنا" که واژه های اوستایی است و واژه مرزعه "پجویز" (پچه) به معنی "توتن ران" و واژه های "ارغن" و ارغنه به معنی زیرک و زبده که تمام آنان سیستانی است.

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که تکلم به زبانی که تقریباً به زبان زردشت باشد خاص مردم مشرق بوده و "بارتولومه" با توجه به اشارات جغرافیایی پشتهای کهن و به همین نتیجه رسیده که اوستایی به احتمال قوی از مشرق ایران آمده است و در یشت (زامیاد یشت) نام دریاچه ک-س-ا-ی به نحوی ذکر می‌شود که در تطبیق با دریاچه کنونی هامون تردیدی باقی نمی‌گذارد و گروهی نیز معتقدند که مولد زردشت نیز در مشرق ایران بوده لذا می‌توان چنین باوری داشت که واژه "ورزنه" همان واژه سیستان نیز زردشتی (ورزنه) به معنی گسترده و پهن مانند "ارغن و ارغنه" و "ورنرغنه سردار جنگجویی که یشت (بهرام یشت) خاص او سروده شد.

۱- ورز = کشتکار و زرع

۲- ورز کار = کشتکار و زرع و برزگر

۳- ورزاو = کار و زراعت و گاوی که بدان زمین را شیار کنند.

۴- ورزی = کشت کار زمین

۵- ورزیدن = کشتن و زراعت کردن

۶- ورزید = کاسته شده این واژه در زبان پهلوی و رهران و فارسی به بهرام تبدیل شده است. صورت اوستایی آن از دو جزء "ورنر" به معنی حمله و پیروزی و جزء دوم و ریشه "غن" به معنی زننده است و این همان است که در فارسی و بعضی لهجه‌ها (سنگسری) در "ارژن" به "ژن" تبدیل شده لذا واژه "ورغنه" نیز به تبعیت از قانون فوق به "ژن" تغییر یافته و واژه "ورژنه" بوجود آمده و بعد از حمله اعراب به ایران حرف "ژ" به "ز" و واژه "ورژنه" شکل گرفته است.

افراد محلی اعتقاد دارند که "ورژنه" به معنی کشت دانه و کاربربر روی دانه است. بهر حال لغت ورژنه القاء‌کننده مفهوم کشت و کشتکاران و همچنین محل کار و کوشش پیاپی است که با خصوصیات اقلیمی و خاک و نیز اهمیت کشاورزی مناسبت دارد.

ورزکار = کشاورز ، ورزاو = گاو ، ورزنده = برزگر

سرانجام آنکه آنکه چون ریشه یابی در واژه های اوستایی بسیار پیچیده است بهتر آن است که ما به واژه با شکوه فارسی ورزنه از ریشه ورزیدن بسنده کنیم .

در ادبیات باستانی ایران اینگونه آمده است:

زرتشت یاران خود را به سه گروه بخش می‌کند:

خیتو یا خودمانی که بی‌اندازه به او نزدیک بوده‌اند.

ورزنه یا ورزندگان که کشاورزان و دامپروران بوده‌اند.

آریا منش که از دوستان و یاران زرتشت بوده‌اند.

در لغت نامه دهخدا ورزنه عنوان محلی جزء دهستان رودشت شهرستان اصفهان واقع در کنار زاینده رود

نوشته شده است که آب کشاورزی آن از زاینده رود تامین می‌شود و محصولات آن غلات، پنبه ، هندوانه

و شغل اهالی زراعت و قالی بافی است

۵- ممکن است از کلمه ورزنا گرفته شده باشد که از تقسیمات کشوری یا اجتماعی زمان ساسانیان بوده است.

۶- ممکن است از دو کلمه ور + زندک رود گرفته شده باشد زیرا که به نام زاینده رود زندک رود

نیز گفته می‌شود و کلمه ور نیز به معنی کنار جمعا به معنی شهر کنار زاینده رود.

از مطالب فوق می‌توان حداقل يك احتمال را داد و آن اینکه از آن جایی که ورزنه روزگاری سرزمین

زرتشتیان بوده است لذا ممکن است آنان این نام را انتخاب کرده باشند.

اوضاع اقلیمی آب و هوا:

شهر ورزنه به علت نزدیکی به کویر دارای آب و هوای گرم و خشک می باشد به طوری که ماههای مرداد و شهریور از حداکثر خشکی هوا برخوردار و میزان متوسط بارندگی در ورزنه هشتاد میلیمتر است.

حداکثر سرعت باد در ورزنه سی و پنج متر در ثانیه و جهت وزش با اغلب ، شمال غربی به جنوب شرقی است. ولی جریان باد غربی به شرقی هم وجود دارد. رطوبت نسبی در اواخر ساعات شب و صبح بیشتر از سایر ساعات شبانه روز است و قبل از طلوع آفتاب به حداکثر و حداقل آن بعد از ظهر است. معدل حداکثر درجه حرارت در بخش بن رود در تیرماه چهل و دو درجه و معدل حداقل در آذر ماه پنج درجه و متوسط درجه حرارت ورزنه چهارده درجه سانتیگراد است. (خلیلی، ۱۳۸۴: ۲۵)

علل پیدایش شهر:

ورزنه از سال ۱۳۴۷ ه. ش با تأسیس شهرداری به شهر تبدیل شده است. اما آنچه ما به عنوان ورزنه از آن یاد می کنیم سابقه دیرینه دارد. در مورد علت به وجود آمدن شهر ورزنه در محل کنونی هیچ گاه مدرک و سندی مستندی یافت نشده است. تنها با توجه به شرایط منطقه می توان به طور کل به علل زیر اشاره کرد:

۱- امکانات خاک

۲- امکانات آب زاینده رود

۳- شهر ورزنه ممکن است بازماندگان شهرکهای چون سبا باشند زیرا که در کمتر از ده کیلومتری شهر ورزنه در محل شهر سبا آثار متعددی یافت می شود که حکایت از وجود تمدنی در حاشیه زاینده رود بود و کنار تالاب گاوخونی است که کاوش های باستانشناسی نیاز دارد .

بخاطر موقعیت جغرافیایی که شهر ورزنه داشته و بر سر راه اصفهان- ندوشن و منطقه یزد قرار گرفته، محلی برای استراحت مسافران بوده که وجود کاروانسرا، رباطها و قلعه‌گواه بر این مدعاست. و در گذشته ورزنه بر سر راههای ارتباطی ادویه و ابریشم قرار داشته است و محل ارتباط استانهای اصفهان، یزد و شیراز قرار داشته است و ممکن است به دلیل اهمیت ارتباطی در این مسیر شکل گرفته باشد. شهر قدیم به شکل دایره و به وسعت حدود بیست و هشت هکتار دارای گسترش به سوی شمال می‌باشد. شهر قدیم کم و بیش هبیت قدیم خود را حفظ کرده و فقط اجرای طرح روانبخشی شهر باعث تغییراتی در آن گردیده است. شهر قدیم ورزنه با شکل هسته اولیه در محیط خندق و با روی قدیم الگویی حلقوی رشد شهر را پایه‌گذاری کرده است. اقلیم شهر مهمترین عامل برای تمرکز بودن بافت شهری ورزنه بوده است، بدین معنی که خانه‌ها و اماکن عمومی همجوار هم ساخته شده‌اند زیرا که:

(۱) کار سنگین کشاورزی مساعدت زیادی از اهالی می‌طلبیده.

(۲) امنیت شهر تأمین می‌شده: زیرا که در گذشته هر چند وقت یک بار غارتگران و راهزنان به جان و مال مردم شهر هجوم می‌برند در نتیجه افراد منازل خود را گرداگرد همدیگر بنا کردند و حصاری دور آن کشیدند که پس آن حصار، خندق قرار داشت. بدین مفهوم که با هجوم دشمن به شهر ابتدا باید از خندق و بعد از حصار می‌گذشتند تا به شهر دست پیدا کنند.

خندق با تبدیل شدن به مهمترین گذر ورزنه، جایگاه تنها راسته بازار شهر را به خود اختصاص داده است. راسته بازاری که در حال حاضر نیز عناصر قدیمی و ارزشمندی را در مسیر خود دارد همانند مسجد جامع، آب انبارها، بادگیرها و حمام.

در ورزنه قدیم راسته بازاری تعریف شده بود که از کاروانسرا و دروازه دیزی شروع می‌شد و در مسیر خود عناصر تجاری، خدماتی و حتی استراحتگاههایی نیز داشته و در انتها به دروازه فچویز ختم می‌شده یعنی راسته بازاری کاملاً بسته و قابل کنترل.

با توجه به رشد دایره وار شهر مورد مطالعه در این قسمت جریان رشد دایره‌ای را توضیح می‌دهیم:

- در این مورد، نخست، هسته‌های اصلی شهری مرکب از ساختمان دیوانیان و ارگ‌ها، به اضافه مسجد جامع به مثابه رکن‌های تشکیل دهنده شهر شکل می‌گیرند.

- در این هسته‌ها حضور نیروی سازمان دهنده اقتصادی و جذب کننده مازاد (یعنی نماینده حکومت متمرکز و مستبد یا نماینده امپراطوری‌ها) قطعی است. حول این نیرو سامان اجتماعی و طبقات مختلف خدمات شهری تشکیل می‌شوند و دائماً گسترش می‌یابند. طبقات و قومیت‌ها در دور تا دور هسته اولیه به صورت دایره‌ای سکنی می‌گزینند.

- در شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های شهری تمامی عوامل از جمله اقلیم، فرهنگ، اقتصاد و ... دخیل و موثر هستند. اما به دید ما در شکل‌گیری شهرهای کویری از جمله از ورزنه عامل اقلیم مهمترین و قوی‌ترین تأثیر را دارا است.

در این منطقه شکل‌گیری شهر به صورت بافت فشرده و منسجم برای حفاظت در مقابل حرارت آفتاب کویر، ساخت و حدود هفتاد و پنج درصد زمین در این منطقه و تراکم بالای شهر همگی نشان از تأثیر اقلیم در شکل‌گیری شهر و معماری و شهرسازی آن دارد.

ساختار کالبدی شهر قدیم ورزنه با روند رشد شعاعی خود باعث شکل‌گیری محلات نوساز در جنوب زاینده رود و در حومه خود بوده است. حال آن که در سال ۱۳۵۸ با طراحی و اجرای شهرک جدیدی به نام شهرک امام جعفر صادق در شمال زاینده رود روند الگوپذیری از بافت قدیم به یک باره دگرگون شده و صرفاً از طرح شطرنجی تهیه شده پیروی شده است.

برای پیوند دو ناحیه ورزنه که از لحاظ اصول طراحی شهر کاملاً متفاوتند رودخانه زاینده رود به عنوان لبه، نقش مطلوب و مثبتی را ایفا می‌کند. چنانچه وجود فضاهای سبز و فضاهای عمومی در حاشیه زاینده

رود باعث تجمع و گرایش جمعیت به طرف این لبه شده و بنابر این پیوند ورزنه جدید و قدیم را استحکام بخشیده است.

در رابطه با توسعه آتی شهر می‌توان گفت طرح هادی ورزنه که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده با طراحی شهرک امام جعفر صادق که در حاشیه شمالی زاینده رود موجب شده است.

این تحول به خصوص در ناحیه جنوبی موجب تخریب بیشتر اراضی کشاورزی شهر است و چنانچه صرفاً هدف حفظ اراضی کشاورزی باشد طراحی و روند توسعه شهر می‌بایست عمود بر جهت زاینده رود در ناحیه شمالی شهر مد نظر قرار گیرد. (نجاری، ۱۳۸۲: ۳۶)

بافت قدیمی ورزنه:

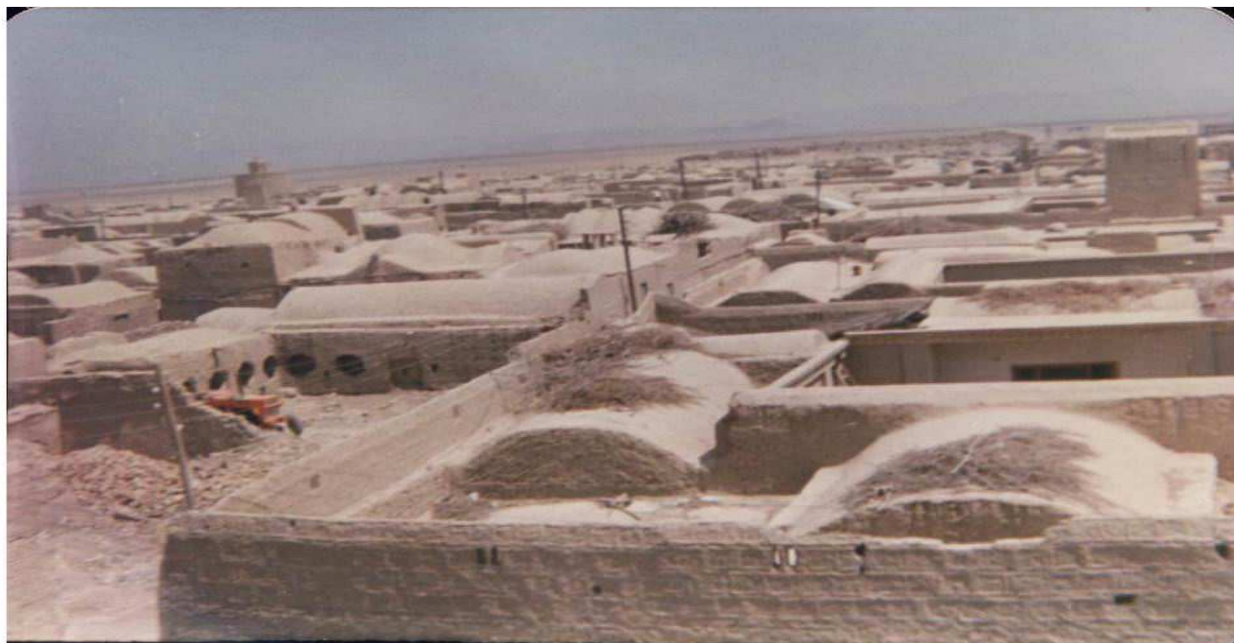
شرایط خاص اقلیمی ورزنه مردم این شهر را ملزم به رعایت و پیروی از شیوه معماری ویژه این گونه مناطق کرده است، مهمترین ماده‌ی که فراوان و ارزان یافت می‌شود خاک نرم است، به دین سبب بافت و ساخت خانه‌های قدیمی از این ماده "خشت -چینه-کاهگل" بهره گرفته است، خاصیت اصلی خاک که با کاه و آب به شکل کاهگل در می‌آید این است که در تابستانها گرم و داغ کویری را تعدیل می‌نماید. بنابر این کاهگل، همانند عایقی خانه‌های ورزنه بکار برده شده است. شیوه‌ی معماری قدیمی ورزنه دقیقاً بر اساس دشواری‌های اقلیمی کویر پیاده شده تا از گرمای شدید آن بکاهد.

بافت کهن و مسکونی شهر تقریباً از شیوه‌ی معماری خاصی بهره گرفته که کمتر تضادی در آن دیده می‌شود کوچه‌ها همگی کم عرض و بعضی از آنها مسقف است به حدی که رفت و آمد در آنها به کندی انجام می‌شود. از ویژگی‌های اصلی خانه‌های قدیمی دیوارهای بلند- که سدی در برابر ناامنی و هجوم بیگانه و سایه انداز روزهای گرم بوده در چهار طرف ساختمان ساخته می‌شد، حوضهای بزرگ با فواره‌های زیبایی سنگی در وسط حیاط فضایی گسترده و بازی به نام تالار که بیشتر صبح‌ها و بعد از

ظهر ها تا ظهر هاي تابستان يعني هنگامي كه تابش اشعه ي خورشيد كاهش مي يابد، مورد استفاده قرار مي گيرد.

جهت اكثر منازل، جنوبي و متجاوز از ۹۵٪ خانه ها يك طبقه است، يك ناهماهنگي بين پشت بامها به چشم مي خورد. پشت بامها در يك سطح قرار نگرفته و از نظر شكل اصول معماري روستايي بر اساس علوم تجريبي ساخته نشده اند.

در مقابل خانه هاي بزرگان قريه ميدان وسيع قرار گرفته و خانه هاي آنان بزرگتر و زيبا تر است. مساكن قريه نه تنها وسيله ي استراحت را تامين مي نمايد، بلكه در امور توليدي نيز سهم دارند. در مساكن قديمي ورزنه غالبا انبار ابزار كشاورزي و پناه گاه دام، محل پختن نان، كارگاه قالي بافي و تهيه شير و لبنيات يافت مي شود. بافت قديمي تاثير سنن و محيط جغرافيايي با هم متفاوتند و نيمي از اسرار حيات مردم ورزنه و سنن آنان در وضع مسكن نهفته است. بافت سنتي و قديمي شهر امروزه به علت آزاد سازي معابر و اجراي طرح هادي تغيير كرده است. (خليلي، ۱۳۸۴: ۴۵)



نوع پوشش زنان:

زنان و دختران بر پایه روش نیاکان خود چادر سفید بر تن می کنند و گفته می شود: پوشیدن لباس سفید رنگ یادگار روزی است که مردم دین زردشتی داشتند و گروهی اعتقاد دارند که شرایط آب و هوایی منطقه و شغل کرباس بافی و کشت و کار پنبه و عدم دسترسی به پارچه های شهری موجب پوشیدن لباس سفید رنگ شده است که خودشان از تبدیل پنبه به نخ می بافتند.

این رسم که روحانیون زردشتی لباسی از پنبه می پوشیدند و نوار مقدسی که در تشریفات مذهبی به گردن می آویختند حتما از جنس پنبه باشد، از قدیمی ترین رسوم زردشتی است و از طرفی به منظور شناخته نشدن توسط افراد نامحرم یکپارچه از چادر سفید استفاده کردند تا بدین وسیله یکسان به نظر برسند. ولی متأسفانه در سالهای اخیر به علت افزایش ارتباطات و استحاله فرهنگی این فرهنگ اصیل اسلامی، ایرانی در شرف انقراض است و متأسفانه مانند بسیاری از سنت های نیکویی که از نیاکانمان برجای مانده و منقرض و یا در حال انقراض است و زنان و دختران جوان از الگوهای شهری پیروی کرده و چادر سیاه بر سر می کنند. رنگ سفید از همه نظر مورد تأیید اسلام، بهداشت، روان شناسی و رنگ شادی است که از هزاران سال پیش مورد استقبال مردم بوده است زیرا یکی از لحظات شاد هر خانمی لحظه ازدواج است که بهترین خاطرات را در لباس عروس که به رنگ سفید است ثبت می شود و حیف است که به تیرگی در آمیزد به همین دلیل است که در فرهنگ ایرانی آمده است " نیست بالاتر از سیاهی رنگ" و از بین برود و این شهر با توجه به نوع پوشش زنان با القابی مانند شهر ملائکه، شهر رویایی و ... که انسان را به یاد وحدت و انسجام و یک رنگی هنگام انجام مناسک حج می اندازد و در اینجا جا دارد از کلیه مسئولین فرهنگی شهر که در سالهای اخیر این فرهنگ را مورد توجه قرار داده اند و امید احیاء آن افزایش یافته است تقدیر و تشکر گردد. مسئله ای که قابل ذکر است این است که سنت ها را از یک نظر می توانیم به دو دسته تقسیم کنیم، اول آنهایی که از نظر ارزشی مثبت تلقی می شوند

یعنی موجب نشاط ، شادابی ، اتحاد و ... می شوند این سنت ها می بایست احیا شوند ولی سنت هایی که برعکس هستند و منفی تلقی می شوند و باعث رخوت و کدورت و یاس و نابودی می شوند باید اصلاح کردند مانند اجرای سنت چهار شنبه سوری به صورت موجود که موجب ناراحتی شهروندان می شود و اثرات منفی دارد.

صنایع دستی: (قالی بافی)

این صنعت را می توان بعد از کشاورزی دومین منبع و در برخی از خانواده ها اولین و شاید تنها منبع درآمد دانست.

کارگاه های قالی بافی تقریباً در ۹۵٪ منازل وجود دارد. قالی های ریزبافت ورزنه که به فرش نائین معروف است بیشتر در ابعاد مختلف ۲/۵×۲، ۳×۲، ۴×۳ و ۶×۴ متر بافته می شود به طوری که بخش اعظم فرش های صادراتی نائینی که به کشورهای خارجی فرستاده می شود متعلق به شهر ورزنه و روستاهای اطراف آن است.

در سال های اخیر رکود بازار فرش به علل مختلف ضربات بسیار مهلکی را بر پیکر این قشر زحمت کش وارد کرده است به طوری که افراد مجبورند مواد اولیه قالی بافی مانند نقشه، ابریشم، چله، خامه و پشم را به قیمت گران تهیه کرده و پس از مصروف ساختن مدت زیادی از وقت خود یعنی تدریجاً ۱ یا ۲ یا ۳ سال، بیشتر یا کمتر (بسته به اندازه فرش و تعداد افراد قالی باف و میزان پشتکار آنها) آن را به قیمت کمی بفروشند.

اما به نظر می رسد تنها فایده فرش فقط سود مادی آن نباشد چرا که بسیاری از زنان و بعضاً مردان به این شغل اشتغال دارند و ناگفته پیداست این که اشتغال، ازدواج، آموزش و ورزش است که می توان جلو بسیاری از مفاسد را گرفته و جامعه را به سوی آینده ای درخشان رهنمون شود. هر چند کج فهمی و بدفهمی از دین همه جانبه نگر اسلام در نزد اکثر مرمغان قدیمی ورزنه از نقش زن تا سال های اخیر

باعث شده بود زنان و دختران قسمت عمده وقت خود را در منازل و بیشتر در پشت قالی سپری کنند و کمتر به ابعاد فکری و فرهنگی و علمی آنها نگریسته شود به طوری که آثار منفی آن به این صورت آشکار شده است که در يك شهر ده هزار نفری مانند ورزشه يك پرستار، يك معلم، يك کارمند زن را نمی‌توان یافت و برای تصدی این شغلها افراد غیر بومی به کار گرفته می‌شوند.

از صنایع دیگر در ورزشه که بیشتر در گذشته معمول بود کاربافی است. در کارگاههای کاربافی با وسایلی بسیار ابتدایی چادر، چادر شب و سفره بافته می‌شد و از همین جاست که باید گفت زنان ورزشه چادر سفید مورد استفاده خود را از کرباس و در همین کارگاهها درست می‌کردند.

سفره بافی:

صنعت سفره بافی یا به عبارت بومی آن صنعت کاربافی از جمله قدیمی ترین صنایع دستی اصیل ایران می باشد که در این منطقه نیز از قدیم وجود داشته و از جمله علل پیدایش این صنعت می توان به تولید پنبه در این منطقه و نیاز مردم که اصلی ترین علت بوده اشاره کرد.

ماده ی اصلی این کار((نخ)) می باشد . که این نخ را از نوعی پنبه به نام پنبه بومی به دست می آورند. برای تولید نخ ابتدا پنبه و پنبه دانه را به وسیله دستگاهی موسوم به چرخ ویش کیش از هم جدا می کردند پنبه جدا شده را به وسیله کمان حلاجی به صورت پف کرده و نرم در می

آوردند. کمان حلاجی دارای ۳ قسمت است : ۱- کمان: که ستون اصلی این وسیله می باشد و به شکل

کمانی صاف و کشیده می باشد. ۲- تار حلاجی: سیمی مخصوص که دو طرف کمان را به هم

وصل می کرده و ضربه بر روی این تار وارد می شده است . ۳- چک حلاجی: وسیله ای برای

وارد کردن ضربه به تار حلاجی ، مرحله بعد چله کردن در این مرحله پنبه حلاجی شده را بر

روی سطحی صاف و نم دار به یک اندازه پهن می کردند سپس آنها را به دور چند میله ای آهنی

می پیچیدند که به این مرحله ساخت پیلته می گفتند سپس پیلته ها را به وسیله ی دستگاهی به نام چهر تبدیل به دشکی می کردند.

دشکی: نخ به دست آمده از پنبه را گویند که چون هنوز پخته نشده است استحکام زیاد ندارد . دشکی ها را به دور کلک می پیچند.



کلک:

قطعه ای از نی به اندازه حدود یک وجب (۱۵ سانتیمتر) از مجموعه چند کلک بوسیله چرخ و بینی (ابزاری چوبی از جنس ساقه نی) کلافه به دست می آید .

کلافه های بدست آمده را در طول سه روز در آب خیس می کردند و با وسیله ای به نام کتک می

کوبیدند. (خلیلی، ۱۳۸۴: ۵۶)



مسجد جامع ورزنه:

اهالي شهر ورزنه در گذشته‌هاي دور خانه‌هاي خود را گرداگرد مسجد جامع بنا مي‌کردند به طوري که در نقشه‌ها مشاهده مي‌شود مسجد جامع تقريباً در وسط کاربري‌هاي مسكوني قرار دارد. از آثاري که بدست آمده مشخص مي‌گردد بناي اوليه مسجد بر روي بقايي يك آتشکده بوده است که تاريخ آن به جمعيت قابل ملاحظه‌اي را نيز در روند تکامل و توسعه شهر پذيرا باشد، دوماً ممکن است در آن زمان نيز ورزنه جمعيتي زياد داشته است که بناي مسجدي به اين عظمت را گذاشته‌اند.

محراب مسجد جامع: محراب مسجد جامع از کاشي کاري‌هاي زيبايي ساخته شده که در مجاورت آن

منبري هم بنا شده است. دور تا دور هلال محراب با خط ثلث بر زمينه لاجوردي آيات ۶۷ تا ۴۱ از سوره آل عمران نوشته شده است و در پايان آن تاريخ ۸۴۷ ه.ق ذکر گرديده است.



این تصویر مربوط به محراب مسجد جامع ورزنه می باشد.



(مسجد جامع ورزنه)

پل قدیمی ورزنه:

این پل با آجر ساخته شده و دارای ۱۰ چشمه که هفت چشمه یا طاق آن به طول ۶۷ متر و عرض پل ۵،۶ مترو ارتفاع از سطح آب ۶ متر و عرض چشمه ها ۴ متر است. و بسیار قدیمی و بنای آن مربوط به دوره دیلمیان و سلجوقیان ست ولی مردم آن را به سیف اله اردکانی نسبت می دهند اما گویا ۳ چشمه دیگر را به طول ۱۹ متر سخت کوش ورزنه در یکصد و چهل سال قبل ساخته و به آن افزوده اند و در حال حاضر جزو آثار قدیمی است که تردد روی آن نمی شود.

هم اکنون مسئولان جهت ارتباط جاده حسن آباد به گردنه ملا احمد پل فلزی دیگری را در ۵۰۰ متر شرق پل قدیم ورزنه احداث کرده اند و مسافرین زیادی از مقصد شیراز به مبداء مشهد از این مسیر تردد می کنند. (خلیلی، ۱۳۸۴: ۷۲)



این تصویر مربوط به پل قدیم ورزنه (قبل از تعمیر) می باشد.

کبوترخانه:

در ورزنه نیز تعداد زیادی کبوتر خانه وجود داشت که فعلاً تعداد آنها انگشت شمار است و استفاده‌ای از آنها نمی‌شود. در ورزنه از این کبوتر خانه‌ها و برج‌های بالای آن چندین استفاده می‌شد. از آنجایی که این کبوتر خانه‌ها بیشتر در مزارع واقع شده است، می‌توان به این نکته پی برد که در گذشته از فضله کبوتر به عنوان کود استفاده می‌کردند. بدین منظور ساختمان درونی کبوتر خانه‌ها را شبیه کندوی زنبور عسل درست می‌کردند تا کبوتران در آنجا زندگی کنند و غذای خود را از مزارع اطراف تأمین کنند و از طرف دیگر کشاورزان نیز هر چند وقت یکبار فضولات آنها را جمع آوری می‌کردند. یکی دیگر از موارد استفاده برج‌ها و کبوتر خانه‌ها وقتی بود که امنیت وجود نداشت و دزدان و راهزنان به روستاها و

مزارع دستبرد می‌زدند و محصولات کشاورزان را غارت می‌کردند و در چنین مواقعی عده‌ای از روستائیان در داخل برج‌ها به نگهبانی از مزارع خود و اطرافیان مشغول می‌شدند.

بادگیرها:



انواع مسکن:

مسکن قلعه: مسکن قلعه با برجها و دیوارهای حفاظتی که یادگار دوران های قدیم بوده و امروزه گسترش و توسعه روستا پا را از مسکن فراتر گذارده که نمونه هایی از این قلعه ها در ورزنه، فارفان، قورتان، و شریف آباد به چشم می خورد.

مسکن گنبدی: بیشتر خانه های قدیمی را مسکن گنبدی تشکیل می دهد. این مسکن دارای درها ی کوتاه و سقفهای بلند هلالی می باشد. و بر روی بعضی از این گنبدها بادگیرهای زیبایی ساخته شده است. گسترش این نوع مسکن متجاوز از ۸۰ درصد خانه های مسکونی را تشکیل می دهد.

سبک معماری: سبک معماری خانه های سنتی ورزنه صرف نظر از اختلافاتی که شرایط اقلیمی در شکل ظاهری آنها بوجود آورده تقریباً اکثر آنها به ساده ترین سبک معماری ممکن ساخته شده و در طول قرون بدلیل زیادی تغییرات چندانی در آنها بوجود نیامده است. خانه ها دارای یک چهار دیواری مسقف است به حدی که بتواند ساکنان آنرا از سرمای زمستانی و گرمای تابستانی اقلیم صحرایی درامان بدارد، لذا چون زندگی روستایی متکی به کشاورزی و دامداری است، بنابراین گسترش و تکامل منازل به احیاء در جهت رفع نیازمندیهای زندگی بود و ایجاد پناهگاه دام و انبار علوفه نیز به آن افزوده شده است.

فضای معماری درون خانه ها: فضاهای معماری در مسکن ورزنه متفاوت است، درب ورودی بعضی از مسکن به حیاط باز می شود و اطاقهای همکف در یک یا چند حیاط قرار دارند. بعضی دیگر از طریق راهرو تنگ و سرپوشیده (دالان) با حیاط ارتباط دارند و اغلب بالا خانه ای نیز بر فراز راهرو ساخته اند که به عنوان بیرونی استفاده می شود که این گونه مسکن بیشتر در ورزنه و اکثر روستاهای بخش دیده می شود. بیشتر خانه های بزرگان و افراد صاحب نام دارای مسکنی از نوع دوم است. (خلیلی، ۱۳۸۴: ۷۵)





تصاویر بسیار زیبا از زنان چادر سفید





MEHR



MEHR



MEHR



بادگیر



کوه سیاه



بند شاخ کنار

فصل دوم

بررسی معضل طلاق در شهر ورزنه

مقدمه:

شهر ورزنه نیز مانند تمام شهر ها و روستاهای دیگر کشور عزیزمان ایران و البته می توان گفت مثل سایر جاهای دنیا درگیر مشکلات و معضلات خاص خود می باشد. که جا دارد تمامی این مشکلات از سوی مسئولین و البته خود مردم مورد بررسی قرار گیرد و برای هر کدام چاره ای اندیشیده شود. بعد از بررسی چند معضل از معضلات شهر ورزنه و البته با کمک و راهنمایی های خانم سهرابی عضو شورای اسلامی شهر ورزنه تصمیم گرفتیم که دو نمونه از مهم ترین مشکلاتی که در حال حاضر مردم این شهر با آن دست و پنجه نرم می کنند را که همان طلاق و خشکسالی می باشد مورد بررسی قرار دهیم هر کدام را تا حد امکان ریشه یابی کرده و راهکارهایی برای حل آنها ارائه دهیم. جا دارد اینجا از زحمات خانم سهرابی و آقای خلیلی که در این مدت برای تهیه این گزارش مرا یاری کرده اند تشکر کنم.

حمیده منصوری

بهار ۱۳۹۱

بررسی علل طلاق در شهر ورزنه:

ورزنه یکی از شهرهای استان اصفهان با مردمانی صمیمی و زحمت کش خوب و تمامی خصوصیتی که دیگر مردمان کویر دارند است. این شهر مثل تمام شهرها و روستاهای دیگر دارای مشکلات و معضلات خاص خود می باشد. و چون روز به روز چهره این شهر به شهرهای بزرگ نزدیک میشود مشکلات این شهر نیز بیشتر میشود.

یکی از معضلات بزرگ ورزنه که تا چند سال پیش اصلاً به این شکل و ابعاد وجود نداشت معضل طلاق است. فرهنگ مردم ورزنه تا چند سال پیش به گونه ای بود که امر طلاق را بسیار زشت تلقی می کردند. و حتی قبح آن به حدی بود که درباره آن حتی صحبت هم نمی کردند. و به شدت از آن پرهیز داشتند. تا حدی که اگر زنی سخت ترین مشکلات را با همسر خود داشت حاضر بود به هر نحوی تحمل کند و به هیچ وجه سراغ طلاق نرود. مگر موارد استثنایی که دیگر تمام راه ها حتی سازش هم بسته می شد و تحمل غیر ممکن می شد.

در این صورت ننگ طلاق را به جان می خرید و حاضر به جدایی می شد. البته بعد از طلاق هم باید سختی های دیگری را تحمل می کرد و زندگی بدی را می گذراند. حرف و حدیث مردم، تهمت، زخم زبان اطرافیان، نیش و کنایه های دیگران، نبود حمایت و عدم تأمین اقتصادی و... مشکلاتی بود که باید به تنهایی با آنها دست و پنجه نرم می کرد و همه ی عمرش تباه می شد.

اما امروزه اوضاع به گونه ی دیگری است دیگر آن همه قبح و زشتی در مورد این مسئله وجود ندارد و زن و شوهر ها خیلی زود و با وجود کوچکترین مشکلی از هم جدا می شوند.

این قضیه یعنی از بین رفتن قبح طلاق هم دارای فوایدی است و هم به نسبت بدی هایی دارد که در ذیل ابتدا به فواید آن می پردازیم:

(۱) مهم ترین فایده این قضیه این است که دیگر زنان مثل گذشته قربانی سنت های غلط نمی شوند و دیگر

مثل سابق مجبور نیستند همه ی عمرشان بسوزند و بسازند.

در صورت وجود مشکلات سخت و حل نشدنی می توانند جدا شوند و زندگی دیگری را شروع کنند.

(۲) بعد از طلاق هم دیگر مثل گذشته مجبور نیست بار سنگین نگاه و حرفهای مردم را تحمل کند.

و اما دلایل بالا رفتن آمار طلاق در شهر ورزنه:

یکی از مهم ترین دلایل این افزایش تفاوت و برخورد نسل قدیم و نسل جدید که باعث به وجود آمدن تنش

میان زوج هایی می شود که در یک محیط کاملاً سنتی پرورش یافته اند و در عین حال در محیط جدید

درس خوانده و با تفکرات جدید و مدرن آشنا هستند و چون این دو جریان یعنی تفکرات سنتی و جدید در

بسیاری موارد با هم تناقض دارند باعث به وجود آمدن سردرگمی هایی در زندگی می شود.

برای مثال پسری را در نظر می گیریم که دارای تحصیلات دانشگاهی است و در خانواده سنتی بزرگ

شده با دختری با همین شرایط ازدواج می کند این پسر از طرفی از همسر خود انتظار دارد که به مانند

یک خانم به روز رفتار کند و از طرفی تصویر رفتار و نوع زندگی مادرش که چندین سال در ذهنش نقش

بسته باعث می شود که مدام تمام کارهای مادرش را با همسرش مقایسه کند و از او انتظار داشته باشد که

خیلی از کارهایی که مادرش انجام می داده او نیز انجام دهد همان طور که مادرش در سختی ها دم نمی

زده و تحمل می کرده او نیز تحمل کرده و اعتراض نکند. اما در مقابل همسر او اصلاً نمی تواند خود را با

توقعات شوهر خود وفق دهد. زیرا با محیط زندگی مدرن آشناست و دیگر اعتقادی به زندگی مادر و مادر

شوهر خود ندارد. و همین باعث بروز تنش میان آن دو می شود در صورتی که در گذشته اوضاع به این

شکل نبوده در قدیم کمتر دختر و پسری بود که درس می خواند دختران اغلب در خانه پدر به قالی بافی و

کارهای خانه می پرداختند و البته خیلی زود در سن پایین به خواست خانواده ازدواج می کردند بعد از

ازدواج هم باز علیرغم میل خود و باز به خواست شوهر و خانواده شوهر خود بچه دار میشد و هیچگاه

نباید اعتراض می کرد زیرا زنان در گذشته حق اعتراض نداشتند. اما امروزه دختران اکثراً درس می خوانند و دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و همین امر باعث می شود که اولاً با حق و حقوق خود به خوبی آشنا باشند و ثانیاً با نوع زندگی زنان شهری آشنا می شوند، دیگر میلی به زود ازدواج کردن ندارند همسرشان را باید حتماً خود انتخاب کنند، به جای در خانه نشستن و پرداختن به کارهایی مثل قالی بافتن و بچه داری، تمایل دارند در بیرون از منزل و به کارهای اداری بپردازند.

حال معلوم می شود که این تضاد و تفاوت میان فرهنگ نسل گذشته و نسل جدید چگونه باعث بالا رفتن آمار طلاق می گردد و متأسفانه این موضوعی است که به سادگی از آن می گذریم و تاکنون هیچ اقدامی در این مورد صورت نگرفته و خانواده ها نیز اهمیتی به آن نمیدهند.

یکی دیگر از دلایل افزایش آمار طلاق از بین رفتن قبح و زشتی طلاق میان مردم و به خصوص جوانان می باشد. در گذشته فرهنگ مردم به گونه بود که این کار را بسیار زشت و قبیح می دانستند تا جایی که در باره آن حتی حرف هم نمی زدند. و این جو بیشتر درباره زنان حاکم بود یعنی اگر زن و شوهری از هم جدا می شدند این طلاق بسیار به ضرر آن زن تمام می شد و او بود که باید بار سنگین نگاه های مردم و حرف های آنها را به دوش می کشید در حالی که برای مردان این گونه نبود و مردان بعد از طلاق حتی فرصت ازدواج مجدد نیز داشتند و دوباره ازدواج می کردند و زندگی تشکیل می دادند در حالی که این فرصت برای زنان، دیگر وجود نداشت و حتی اگر پیش می آمد مجبور بودند با مردی که جای پدرشان است و همسرش را از دست داده، یا مردی که حتی زن دارد و دوباره می خواهد تجدید فراش کند ازدواج کنند و این در بسیاری از مواقع مساوی بود با بدبختی این زن و شروع شدن دوباره بسیاری از مشکلات جدید.

ولی امروزه وضع به گونه ی دیگری است امروز دیگر آن قبح و زشتی در مورد طلاق وجود ندارد و به خاطر همین اگر زن و شوهری از هم جدا شدند بعد از طلاق برای هر دوی آنها شانس تقریباً مساوی

برای ازدواج وجود دارد و زنان بعد از طلاق این فرصت را دارند که دوباره ازدواج کنند و زندگی تشکیل بدهند و خوشبختی را تجربه کنند.

البته این فقط یک روی سکه است و روی دیگر آن این است که همین موضوع یعنی از بین رفتن قبح طلاق باعث شده که دیگر جوانان در پستی و بلندی های زندگی مشترک صبر و بردباری از خود نشان ندهند و به محض به وجود آمدن کوچکترین مشکلی بدون فکر کردن درباره آن و سعی برای حل مشکل خیلی زود به فکر طلاق می افتند و اقدام می کنند و متأسفانه داریم نمونه هایی از دختران و پسرانی را که این قدر این موضوع برایشان ساده است که حتی چندین بار عقد کرده و طلاق گرفتند. دیگر مثل گذشته به فکر دوام زندگی مشترک خود نیستند.

یکی دیگر از عوامل افزایش میزان طلاق گرایش به مدرک و تحصیلات دانشگاهی و در یک کلام مدرک گرایی است. این گرایش که بیشتر میان دختران وجود دارد باعث شده که در میان معیارهایی که برای ازدواج در سر دارند بسیار به مدرک دانشگاهی اهمیت بدهند

و این یعنی اینکه یک دختر در میان خاستگاران که دارد با یک فکر و اندیشه بسیار سطحی و عجولانه کسی را انتخاب کند (در صورت وجود) که دارای مدرک دانشگاهی است و از خصوصیات دیگر او که ممکن است سرنوشت او را عوض کند به سادگی و بدون فکر بگذرد. غافل از اینکه برای زندگی فقط داشتن مدرک دانشگاهی کافی نیست.

ممکن است کسی تحصیلات دانشگاهی نداشته باشد ولی فردی با شعور و آگاه باشد و برعکس کسی ممکن است که با وجود داشتن مدرک دانشگاهی این گونه نباشد.

متأسفانه این مسئله ایست که اخیراً میان دختران جوان به صورت یک ملاک درآمده و گاهی اوقات دختری صرفاً برای اینکه از دیگر همسالان خود عقب نماند دست به این گونه انتخاب همسر آن هم به صورت کاملاً عجولانه و بدون فکر می زند که ممکن است بعدها و با شروع زندگی مشترک و یا همان

اوایل دوران عقد به این واقعیت پی ببرد که صرفاً داشتن مدرک دانشگاهی یک پسر برای خوشبختی در زندگی کافی نیست و چیزهای دیگری نیز باید در نظر گرفته شود.

برای افزایش میزان آمار طلاق دلیل دیگری وجود دارد آن هم این است که در شهر ورزنه متأسفانه فرهنگ غلطی که وجود دارد این است که خانواده ها برای ازدواج فرزندان شان اصلاً تحقیق نمی کنند. بعضی ها لزومی برای این کار نمی بینند زیرا اعتقاد دارند که چون در این شهر تقریباً همه همدیگر را می شناسند پس دیگر نیازی به تحقیق و پرس و جو نیست و همین شناخت سطحی را برای ازدواج و شروع یک زندگی مشترک کافی می دانند. بعضی نیز اصلاً این کار را بد میدانند و به دلایلی مثل پنهان کاری و... از این کار صرف نظر می کنند. و این خود باعث می شود که این مقدار شناختی که باید قبل از ازدواج وجود داشته باشد و به عنوان ملاکی برای ازدواج در نظر گرفته شود بعد از ازدواج به دست می آید که البته گاهی دیر است و باعث به وجود آمدن مشکلاتی می شود که شاید همین مشکلات منجر به طلاق شود.

عوامل دیگری نیز هست مثل افزایش رابطه با جنس مخالف و متأسفانه رابطه های نامشروع که البته روز به روز بیشتر رواج می یابد و باعث از هم پاشیده شدن زندگی جوانان می شود که البته یکی از دلایل مهم آن غفلت خانواده ها از فرزندان خود، عدم برخورد مناسب با این مسائل در بین خانواده ها و مردم، نبود رابطه مناسب میان والدین و فرزندان، کمبود محبت و عاطفه میان آنها و... می باشد. جوانی که در خانواده هیچ محبتی از طرف والدین خود دریافت نمی کند و حتی در خانواده هیچ عشق و علاقه ای میان والدین خود نمی بیند و فضای خانه را کاملاً سرد احساس می کند، تلاش می کند این کمبود محبت را طوری جبران کند و همین می شود که رو به رابطه با جنس مخالف می آورد و این موضوع تمام آینده و

سرنوشتش را تحت تأثیر قرار می دهد و حتی ممکن است مسیر زندگی اش را تغییر دهد. گاهی این رابطه ها منجر به ازدواج می شود که البته عاقبت عشق های خیابانی و رابطه های نامشروعی که به ازدواج می

انجامد کاملاً برای همه واضح و روشن است. گاهی نیز این روابط به هم خورده و منجر به ازدواج نمی شود که البته در این صورت نیز طرفین این رابطه به خصوص دختر متحمل شکست و هم چنین مشکلاتی می شوند که همان طور که قبلاً گفته شد تمام زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد و گاهی خسارت های جبران ناپذیری را در زندگی آنها به وجود می آورد.

دختری که قبل از ازدواج با پسر دیگری دوست بوده و رابطه داشته این رابطه را تا آخر عمر باید مخفی نگاه دارد و همیشه ترس این را داشته باشد که اگر روزی شوهرش این موضوع را بفهمد چه عکس العملی نشان می دهد. و این ترس همیشه مانند یک سایه همراه اوست. در بیشتر این موارد اگر این موضوع فاش شود زندگی آنها از هم می پاشد و منجر به طلاق می شود.

افزایش آمار طلاق در شهر ورزنه دلایل دیگری نیز دخالت دارد مثل چشم و هم چشمی، مهریه های زیاد، رسم و رسومات غلط و

اقدامات صورت گرفته برای حل این معضل:

متأسفانه تا کنون در این مورد از طرف هیچ نهادی هیچ اقدامی صورت نگرفته و با وجود مشکلات فراوانی که در این مورد وجود دارد این مسئله مورد غفلت مسئولین، مردم و حتی خانواده ها قرار گرفته است.

راهکارهای پیشنهادی برای حل این معضل:

- (۱) ترویج فرهنگ مراجعه به مشاور در میان مردم.
- (۲) ایجاد مراکز مشاوره برای آموزش انتخاب همسر (قبل از ازدواج) و حل مشکلات رفتاری (پس از ازدواج).
- (۳) آموزش خانواده ها برای برخورد مناسب با فرزندان شان.

۴) تلاش خانواده ها برای تقویت رابطه های میان خود و فرزندان و ایجاد رابطه های عاطفی میان

اعضای خانواده (والدین با هم , والدین با فرزندان)

۵) کنترل مناسب و منطقی جوانان از طریق خانواده ها.

۶) فراهم کردن مقدمات ازدواج آسان برای جوانان.

۷) تلاش خانواده ها برای به دست آوردن شناخت مناسب از طرف مقابل, قبل از ازدواج.

و

فصل سوم
گزارش علمی
(طلاق)

تعریف طلاق:

انحلال رابطه همسری در ازدواج دائمی را که بعد از آن از نظر رعایت حقوق و تکالیف مربوط به زناشویی مسئولیتی برای دو همسر نخواهد بود، طلاق می گویند.

اگر ازدواج را قراردادی بین دو شخص برای زندگی مشترک بدانیم، این قرارداد همواره دائم نیست و گاهی بنا به دلایلی فسخ می شود. جریان فسخ قرارداد بین یک زوج را اصطلاحاً طلاق میگویند.

هیچ دختر و پسری در آغاز زندگی و در پای سفره عقد تصور نمی کنند که ممکن است روزی مشکلات چنان بر او غلبه کند و شرایطی بر او تحمیل شود تا دادخواست طلاق داده و به زندگی مشترکش پایان دهد. طلاق احساس باخت و یا زنده بودن در ارتباط زناشویی است که طرفین آن برای رهایی از این احساس اقدام به جدایی می کنند. گاهی طلاق تنها راه منطقی برای حل مشکل به نظر می رسد. آنچه دارای اهمیت است نگرش متفاوت افراد جامعه نسبت به این پدیده است. طلاق دلایل گوناگونی دارد. این دلایل متناسب با موقعیت، طبقه و جایگاه اجتماعی زوجین متفاوت است. شناخت عوامل موثر در شکل گیری این پدیده در کنترل و کاهش آن نقش بسزایی خواهد داشت.

طلاق یعنی رهایی و یا گسستن پیمان زناشویی

مرد با شرایط ذیل می تواند زن خود را طلاق دهد:

- بالغ باشد

- عاقل باشد

- مجبور نباشد

- قصد طلاق داشته باشد. (ساروخانی، در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۷، www.magiran.com)

انواع طلاق:

در حال حاضر در سیستم حقوقی ایران از نظر تشریفات سه نوع طلاق وجود دارد: طلاق توافقی؛ طلاق به درخواست مرد، طلاق به درخواست زن. نمونه های دیگر طلاق عبارتند از:

طلاق رجعی:

طلاق است که به درخواست مرد جاری می شود و در آن وی موظف است تمام حقوق زن را از قبیل صداق، نفقه، پوشاک و مسکن برای مدت ۱۰۰ روز (زمان عده) تأمین کند. در این نوع طلاق، مادامی که عده زن منقضی نشده باشد، مرد می تواند به زن خود رجوع کند و با رجوع مزبور، بدون تحلیل نکاح و عقد جدید، می توان با او زندگی کند. در این حال طلاق باطل می شود.

طلاق باین:

طلاق است که در آن مرد حق رجوع به زن خود را ندارد، یعنی برعکس طلاق رجعی، نمی تواند بدون جاری شدن عقدی جدید به او رجوع کند و در برخی از انواع آن، اگر مرد بخواهد به زن خود رجوع کند، لازم است تجدید نکاح کند طلاق باین انواعی دارد:

۱. طلاق دختر صغیر یعنی دختری که هنوز ۹ سال تمام ندارد.

۲. طلاق زن یائسه یعنی زنی که به سن نازائی (حدود ۵۰ سالگی رسیده و دیگر نمی تواند بچه دار شود).

۳. طلاق در دوران نامزدی یعنی پیش از انجام مراسم عروسی

۴. طلاق زن سه طلاقه یعنی زنی که او را سه بار متوالی پس از ازدواج طلاق داده باشند.

۵. طلاق خلع یا خلعی که در آن زن به دلیل کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به او می‌بخشد طلاق می‌گیرد.

۶. طلاق مبارات که در آن طرفین به علت کراهتی که از هم دارند به طلاق اقدام می‌کنند. در طلاق مبارات، زن مالی را که کمتر از مهر او است به مرد می‌پردازد.

طلاق عدی:

طلاق عدی یا طلاق عدّه در دو مفهوم به کار می‌رود:

۱. طلاق زنی که ۹ بار (۳ بار در ۳ بار) طلاق گرفته و بعد از هر سه طلاق، محلی وجود داشته است. اینگونه طلاق در هیچ صورتی حق رجوع ندارد.

۲. طلاق زنی که شوهر او در موقع عده رجوع کرده و بعد او را دوباره طلاق داده است.

در متون اسلامی به گونه دیگری از طلاق تحت عنوان 'طلاق ایلاء' برمی‌خوریم که در دوره پیش از اسلام در عربستان رواج داشت. طلاق ایلاء طلاق بود موقت که به مدت ۴ ماه یا بیشتر جاری می‌شد. اسلام این طلاق را غیرشرعی و ممنوع اعلام کرد.

علل و عوامل طلاق:

طلاق دلایل گوناگونی دارد. این دلایل متناسب با موقعیت، طبقه و جایگاه اجتماعی زوجین متفاوت است.

شناخت عوامل موثر در شکل‌گیری این پدیده در کنترل و کاهش آن نقش بسزایی خواهد داشت .

بر خلاف گذشته، امروز قبح طلاق تا حدودی از بین رفته است که این عامل منجر به افزایش نگران‌کننده میزان طلاق در برخی نقاط ایران شده است. در گذشته بسیاری از زنان با وجود شرایط دشوار، مجبور بودند زندگی زناشویی خود را به هر قیمتی ادامه دهند ولی در حال حاضر چنین اجباری احساس نمی‌شود. در گذشته ازدواج‌ها کاملاً سنتی و با راهنمایی خانواده‌ها انجام می‌شد و در نتیجه دوام بیشتری داشت ولی در حال حاضر میزان ازدواج‌هایی که خانواده‌ها در آن دخیل نبوده و دختر و پسر بعد از دوستی تصمیم به ازدواج می‌گیرند، افزایش یافته است.

زیربنای این ازدواج‌ها را عموماً مسائل عاطفی تشکیل می‌دهد نه واقعیت‌های زندگی، در نتیجه امکان دارد که پس از سرد شدن آتش عواطف شدید اولیه در این قبیل ازدواج‌ها و به دلیل نبود هماهنگی زن و شوهر، به طلاق منتهی شود. امروز بر خلاف گذشته، طلاق به عنوان یک وضعیت به شدت ناخوشایند تلقی نمی‌شود و دیدگاهی که گاهی نسبت به آن در جامعه و در رسانه‌ها تبلیغ می‌شود، عبارت است از یک واقعیت خانوادگی و اجتماعی بنابر این بر خلاف گذشته، امروز قبح طلاق تا حدودی از بین رفته است. مجموعه این عوامل منجر به افزایش کوچک ولی نگران‌کننده در خصوص میزان طلاق در برخی نقاط ایران شده است. در بسیاری از نقاط ایران هنوز میزان طلاق مانند گذشته پایین است. به نظر می‌رسد که در این افزایش طلاق‌ها گاهی نیز عوامل اقتصادی از جمله مشکلات اقتصادی نیز بی‌تأثیر نباشد چرا که خانواده در صورتی که از رفاه اقتصادی بیشتری برخوردار باشد، بهتر می‌تواند صدمه‌ها و فشارها را تحمل کند. باید دانست که سعی مسئولان مملکتی بر بهبود وضعیت معیشتی مردم بوده است. مشکلات اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری و اعتیاد، ناشی از عواملی است که از بیرون مرزها به جامعه ایران تحمیل شده است. مسائل شخصیتی و رفتاری همیشه در جامعه وجود داشته اما آن چیزی که تغییر کرده است، دیدگاه‌ها نسبت به خانواده و نقش مرد و زن در خصوص ازدواج و طلاق است .

طلاق می تواند دلایل فراوانی داشته باشد و شناخت عوامل موثر در طلاق نقش بسزایی در کاهش آن دارد. ۱۸ عامل موجب طلاق می شود. یک مسئله اقتصاد و تامین نشدن مخارج زن است که منجر به طلاق می شود و دیگر عامل دوساختی شدن جامعه است یعنی تفاوت در طرز فکر، مردان در گذشته فکر می کنند و زن را مطیع و خانه دار می خواهند در صورتی که زنان می گویند در قرن ۲۱ هستیم و زن و مرد تفاوت چندانی ندارند. ازدواج نامناسب عامل دیگری در افزایش طلاق است و تفاوت فرهنگی و سنتی و عدم شناخت دختر و پسر قبل از ازدواج منجر به طلاق می شود، دوران نامزدی کوتاه موجب عدم شناخت طرفین شده و این موضوع طلاق را در پی دارد. اعتیاد، بیماری های خاص، ناتوانی جنسی مردان، شغل، تحصیلات، ازدواج های اجباری، مهریه بالا و ازدواج هایی که برای مهریه است از دیگر عوامل افزایش طلاق است. (فرجاد، ۴۵: ۱۳۷۷)

متأسفانه مهریه های بالا و مخارج دوران ازدواج در بین جوانان ترس ایجاد می کند و موجب کاهش ازدواج می شود. مهریه های بالا و چشم و همچشمی موجب طلاق است و ازدواج ها باید ساده شود.

۱- عوامل قانونی : از جمله عواملی که در حال حاضر به شدت طلاق ها را در جامعه ما متأثر می سازد وجود و تصویب برخی از قوانین مربوط به ازدواج و طلاق است. مثلاً قوانین مربوط به مهریه نه تنها نتوانسته مانع طلاق دادن زنان توسط مردها شود بلکه منجر به جنگ و جدال بسیاری بین زوجین شده است. قانونی که مبنی بر حق حبس مرد برای عدم توانایی پرداخت مهریه توسط زن به تصویب رسیده و بر اساس ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی که می گوید: زن می تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند. در هنگام برخی از اختلافات زنان را تجهیز به سلاحی کرده که می توانند به وسیله آن مرد را تهدید کرده و مشکلاتی از قبیل این که وقتی که زن بخواهد اقدام به چنین شکایتی بکند مرد از هراس به حبس رفتن و یا بعد از به حبس رفتن بر دامنه مشاجرات بیافزاید و یا این که سریع تر اقدام به طلاق نماید، را ایجاد نموده است. در این راستا مهریه وسیله ای شده که زنان به

خاطر این که از حالات احساسی و هیجانی بیشتری برخوردارند سریع تر تحریک شده و دست به اقداماتی که در کل به ضرر خود و همسرش و در نهایت زندگی مشترک آنان است، بزنند. از سویی دیگر مهریه می تواند دستاویزی برای برخی زنان سوءاستفاده کننده باشد که اصولاً قصد زندگی مشترک ندارند و به خاطر دریافت مهریه اقدام به ازدواج می نمایند و بعد از مدتی با دلایل واهی سعی می کنند با دریافت تمامی مهریه یا قسمتی از آن با عاصی کردن مرد طلاق خود را بگیرند و این عمل خود را بارها می توانند تکرار کنند. به نظر می رسد برای برطرف کردن معایب قانونی مربوط به مهریه از جمله حذف حق حبس زنان با توجه به بررسی های کارشناسانه دقیق تر باید اصلاحاتی صورت پذیرد تا کمترین عوارض را دربرداشته باشد. البته مسائل قانونی فقط به مسائل مطرح شده ختم نمی شود بلکه مسائل دیگری نیز وجود دارد که باید مورد بررسی و بازبینی قرار گیرند و بر اساس زمان حاضر تغییرات لازم در آنها انجام پذیرد.

۲- عوامل روانشناختی : عوامل روانشناختی دخیل در طلاق ابعاد گسترده ای را دربرمی گیرد که با بیان مختصر نمی توان به توصیف گستره آن پرداخت ولی از جمله مواردی که می توان به آنها اشاره کرد به شرح ذیل است:

عدم تفاهم و سازگاری روانی :

در برخی از موارد طلاق، وقتی از زوجین درباره علل طلاق سؤال می شود راحت ترین و در دسترس ترین پاسخی که خواهند داد این است که می گویند ما با هم سازش یا تفاهم نداریم. وقتی سؤال دقیق تر می شود که منظور از تفاهم نداشتن چیست؟ در پاسخ بسیاری از آنها مشاهده می شود که دلیل یا جواب مستدلی برای آن ندارند. از مفاهیمی مثل این که او مرا درک نمی کند، ما با هم هیچ شباهتی نداریم، او مرا دوست ندارد، به خانواده اش وابسته است (البته این سخن در بین خانم ها بسیار شایع است) و مسائلی از این قبیل که بسیارند مطرح می شود.

این شکایات و گله مندی ها گاهی دوطرفه است یعنی هر دو زوج متقابلاً از همدیگر شکایت می کنند ،ولی در خیلی مواقع نیز يك طرفه است یعنی یکی از زوجین عاشق و دوستدار همسر خود است و تمام و کمال حاضر به زندگی مشترك با طرف مقابل خود است ولی دیگری علي رغم ابراز احساسات همسرش، حالتی تنفرآمیز نسبت به او پیدا می کند. در این حالت است که تقریباً آن زندگی به نقطه پایان خود نزدیک شده و دیري نخواهد پایید که طلاق و متارکه زوجین نتیجه بلافصل آن خواهد شد.

پدیده ذکر شده به وفور در جلسات مشاوره زوجینی که با هم اختلاف دارند دیده می شود.

در چنین موقعیت هایی با توجه به پدیده رخ داده شده هر عملی، سخنی، شیوه ای به عنوان بهانه ای از طرف فرد بی علاقه در نظر گرفته می شود که این بهانه گیری ها پایانی نخواهد داشت. بهانه هایی چون تو مرا دوست نداری، تو مرا گردش نمی بری، تو يك آدم بی حالی هستی، تو طرفدار پدر و مادر یا خواهر و برادرانت هستی، تو به خاطر خانواده ات به من بی محلی می کنی و هزاران تو، تو... دیگر، که اگر هر کدام برآورده گردد دیگری سر برمی آورد و اینها می توانند پایانی بر زندگی مشترك با برچسب نداشتن تفاهم باشد.

الف- عدم تمایل یکی از طرفین به ازدواج و یا ازدواج اجباری

ازدواجی که به صورت اجباری و فقط به خواسته والدین یکی از زوجین و یا هر دو طرف باشد و تمایلی از سوی خود زوجین نباشد در اغلب موارد به شکست می انجامد و اگر نیاانجامد قطعاً در بسیاری از موارد به تحمل می انجامد که چنین زندگی زناشویی مانند زندانی شدن با اعمال شاقه است، اگرچه به نظر برسد ظاهراً مشکلی وجود ندارد. البته در مواردی نیز به ندرت چنین ازدواج هایی موفقیت آمیز است.

ب- ناپختگی و عدم بلوغ اجتماعی

برخی از ازدواج ها علي رغم این که به صورت خواسته و حتی با عشق و علاقه طرفین برای ازدواج همراه بوده ولی بعد از مدتی شاهد از هم پاشیدگی آنها هستیم. در این نوع طلاق ها ما شاهد این خواهیم

بود که دختر یا پسر و یا هر دوی آنها به نوعی هنوز به درجه ای از رشد اجتماعی و عقلانی نرسیده اند که بتوانند يك زندگي مشترك را اداره کنند، تشکیل يك زندگي مشترك مستلزم شناخت ها و پیش آگهی هایی است. دختر و پسر که با هم ازدواج می کنند باید خودشان را آماده پذیرش مسئولیتهایی کنند. خود را شريك زندگي و سازندگي آن بدانند، از طرف مقابل خود صرفاً بستانکار نباشند بلکه خود را بدهکار نیز بدانند. هر کدام از آنها باید خود را مسئول ساختن زندگي تلقی کنند نه این که يك زندگي ساخته شده را بخواهند. کسانی که قصد ازدواج دارند باید به این امر آگاهی داشته باشند که ازدواج پایان بخشیدن به تمام سختی ها و مشکلات نیست بلکه به نوعی درگیر شدن با مشکلات دیگری و شاید بیشتری است که اگر به دیده درست به آن نگریسته شود زیبایی زندگي در همین حل کردن مشکلات بیشتری است که اگر به شکلي آرمانی به آن نگریسته شود چیزی جز طلاق نتیجه اش خواهد بود.

بعضی از خانم ها در جامعه ما متأسفانه ازدواج را مساوی با ورود به دنیایی که همه چیز آن زیبایی و راحتی است می دانند و در برخورد با اولین و کوچکترین مشکل ساختار روانی شان از هم گسسته می شود. رسیدن به يك پختگی و بلوغ اجتماعی در درجه اول به عهده والدین است و در درجه دوم ایجاد تغییر در نگرش خود افراد در شرف ازدواج به مسأله زندگي مشترك آنهاست.

ج- توقعات بی جا و چشم و هم چشمی

امروزه زرق و برق های بسیار زیاد و متنوع مانند سمی که بر اختلافات خانوادگی دامن زده گریبانگیر جامعه ما گشته و وضعیت بحرانی را در کانون خانواده به وجود آورده است. در اینجا بحث بر سر وجود چنین زرق و برقهایی نیست، بلکه بحث بر سر تأثیرات و برداشتهایی که از آنها می شود، است. در چنین وضعیت هایی زوجین غرق در چنین اوضاعی می شوند و خود و زندگیشان را فراموش می کنند. به طور خودآگاه یا ناخودآگاه با متأثر شدن از چنین وضعی و فکر نکردن درباره تداوم زندگیشان به دامن شدید اختلافات می افتند. کما اینکه در بسیاری از مواقع این صورتهای زیبا عامل خوشبختی در زندگي

نیستند. این افراد با ندیدن جنبه های مثبت زندگی خود و دیدن جنبه های به ظاهر مثبت و یا به واقع مثبت دیگران دچار کشمکش های فراوان می شوند و وقتی زندگی خود را از دست می دهند تازه می فهمند که چه بر سرشان آمده است. (فرجاد، ۱۳۷۷: ۶۷)

مقایسه زندگی ها با همدیگر، امروزه بلایی است که می تواند هر زندگی خوب و زیبا را از هم متلاشی کند. اگر زوجین گرفتار چنین حالتی شوند تحت هر شرایطی و امکاناتی هرگز به آرامش و رضایت نخواهند رسید. این وضعیت حالتی روانی را در افراد به وجود خواهد آورد که با به دست آوردن هر چیزی به موضوع دیگری فکر خواهند کرد که هرگز تمامی نخواهد داشت. پس باید خود و شرایط خودمان را بپذیریم و با تلاش و پذیرش خود گام به سوی آینده برداریم که در این صورت احساس خوشبختی خواهیم کرد.

د- ابتلا به اختلالات عاطفی و روانی

ابتلا یکی از زوجین و یا هر دو نفر آنها به اختلالات روانی می تواند موجب از هم پاشیدگی يك زندگی مشترك گردد. اختلالات روانی مورد بحث می تواند طیف گسترده ای از شدت و ضعف و همچنین مشهود و غیر مشهود را دربرگیرد. مثلاً ابتلا به افسردگی از حالت خفیف آن تا حالت شدید آن که به افسردگی اساسی معروف است می تواند موجب اختلال در روابط زناشویی گردد که این حالتی مشهود از اختلالات روانی است. ولی گاهی اختلالاتی مانند اختلالات شخصیت که به طور مشهود در مبتلایان آن دیده نمی شود از عوامل ناسازگاری و تنشهای زندگی زناشویی خواهد شد. از جمله این اختلالات می توان از اختلال شخصیت هیستریونیک (نمایشی) و خود شیفته نام برد. به عنوان مثال در اختلال شخصیت هیستریونیک فرد مبتلا نیاز مفرط به توجه از سوی همسرش را دارد و در صورت کمترین بی توجهی آشفتگی زیادی بر وی مستولی خواهد شد. در این حالت فرد مقابلش به هر اندازه به او توجه نشان دهد او ارضا نشده و همیشه شاکی خواهد بود. این در حالی است که خودش در مقابل این همه توجه طلبی

کمترین توجه را به همسرش می نماید ولی فکر می کند که بی نهایت این کار را انجام داده است. رفته رفته این موضوع موجب خستگی طرف مقابلش شده و بعد از مدتی به مشاجره و در نهایت تنفر زیاد از همدیگر و طلاق و متارکه می انجامد.

۳- عوامل اقتصادی : مسائل مالی و اقتصادی از دیگر عواملی است که می تواند منجر به متارکه زوجین شود. از مصادیق این عوامل می توان به فقر، بیکاری، بیماری و غیره اشاره کرد. از نظر بسیاری از مردم بد بودن وضعیت اقتصادی بزرگترین عامل طلاق تلقی می شود. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که درست است عوامل اقتصادی نقش مهمی در امور زندگی مشترک دارد ولی خود این مسائل فی نفسه مهمترین عامل فروپاشی نمی باشد. در یک زندگی زناشویی زوجین اگر همدیگر را دوست داشته باشند و منطقی فکر کنند می توانند با داشتن حداقل امکانات زندگی با همدیگر سازگار بوده و زندگی کنند. کما اینکه در غیر این صورت با بالاترین امکانات مادی هم با یکدیگر به سر نخواهند برد.

پس قناعت و پذیرش موقعیتها و وضعیت طرفین بعد از ازدواج می تواند این عامل را خنثی کند که متأسفانه باید اذعان کرد در جامعه کنونی ما برخی از زوجین بدون نگاه به خود و فرد مقابلش توقعات آرمانی را برای زندگی زناشویی تصور می کنند که به عمل رساندن آن غیرممکن بوده و با گذشت مدتی از زندگی مشترک به راهی جز راه طلاق و متارکه نمی انجامد.

نکته دیگری که در این زمینه می توان عنوان کرد این است که به نظر می رسد علت طلاق در طبقات پائین اقتصادی اجتماعی (مخصوصاً در شهرهای بزرگ) مسائل اقتصادی (فقر و بیکاری) باشد ولی در طبقات بالاتر اجتماعی (تحصیل کرده ها) عدم تفاهم و سازش اخلاقی باشد.

۴- عوامل ارتباطی : عوامل ارتباطی مشتمل است بر ارتباط و رفت و آمد با خانواده همسر (والدین، برادر، خواهر و بستگان) و نگاه و نگرش متقابلی که این دو نسبت به هم دارند.

شاید بتوان گفت عوامل ارتباطی که ذکر شد در جامعه ما از بزرگترین مسائل اختلاف برانگیز در مسائل

زناشویی و خانوادگی است. جایی که خود زوجین چندان اختلافی با همدیگر ندارند و مسائل فرعی دیگر مثل ارتباط با خانواده های طرفین برانگیزاننده مشکلات عدیده ای می شود. در اینجا می توان به روابط بین مادرشوهر، عروس- خواهرشوهر، عروس- مادرزن داماد اشاره کرد که اغلب از دیدگاه خوبی نسبت به هم برخوردار نبوده و به نظر می رسد در فرهنگ ما از تاریخچه ای بس طولانی برخوردار است.

۵- سایر عوامل : عوامل دیگری چون اعتیاد، بیکاری، بیماری، ناباروری، مسائل جنسی، به میان آمدن پای فرد دیگری در زندگی یکی از زوجین، تغییرات و تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، فاصله طبقاتی، رتبه های تحصیلی و... از جمله دیگر علل طلاق و متارکه می باشند.

اعتیاد به عنوان بلای خانمان سوز می تواند هر زندگی را در کام خود فروکشد و نابودش کند. بیکاری زمینه ساز مشکلات اقتصادی و به دنبال آن تشویش های روانشناختی است. ناباروری هر کدام از زوجین و ناتوانی در بچه دار شدن از عوامل نگران کننده و ایجاد کننده طلاق است. مشکلات جنسی و عدم رضامندی هر کدام از زوجین از عوامل بسیار مهمی است که به علل فرهنگی در هاله ای از پنهان کاری قرار می گیرد. (فرجاد، ۱۳۷۷: ۶۸)

در مشاوره های ازدواج این امر به وضوح به چشم می خورد که برخی از زوجین به مسائل جنسی که از ضروری ترین و مهمترین عوامل استواری زندگی زناشویی است توجهی نمی کنند یا بی توجه هستند.

اغلب خانم ها ارضای جنسی را فقط مختص آقایان می دانند و از رضایت خودشان در این زمینه غافل می مانند که بعدها منجر به اختلافاتی می شود که هیچکدام از آنها نمی دانند که علت در چیست و منشأ این اختلافات با بهانه های دیگری ظهور می کنند. عدم آموزش و عدم آگاهی از برقراری روابط جنسی به شکل صحیح، مقاومت یا عدم مراجعه به پزشک، برای مسائل مربوط به این روابط و... از موارد مشکل ساز در این زمینه می باشند. در آخر باید به این نکته توجه کرد که تغییرات فرهنگی و اجتماعی که

در جامعه ما در حال گذر است منجر به تغییر و تحولات گسترده در ابعاد و سطوح مختلف اجتماعی شده که کانون خانواده و زندگی زناشویی از جمله مواردی است که به شدت تحت تأثیر این تغییر و تحولات قرار گرفته است. در این راستا، این وظیفه نهادهای دولتی و غیردولتی است که موضوع را از جهات مختلف موردتوجه و بررسی قرار داده و با ریشه یابی و شناسایی دلایل و عوامل آن راهکارهای لازم را بیابند. چرا که فروپاشی خانواده علاوه بر اینکه صدمات روانی و عاطفی به افراد مبتلا به آن می زند، اثرات مخربی را بر پیکره جامعه و ایجاد معضلات، مشکلات و بزهکاری های فراوان در جامعه وارد خواهد کرد.

ازدواج زودهنگام یا دیر هنگام:

ازدواج در سنین پایین ازدواج ناموفق و از عوامل طلاق محسوب می شود؛ ازدواج باید آسان باشد ولی در حال حاضر ازدواج ها سخت است و این سخت گیری از سوی دختر و پسر و خانواده آنها صورت می گیرد.

ازدواج تحمیلی:

نباید خوشحال باشیم که آمار ازدواج افزایش یافته بلکه باید زمانی احساس خوشایند داشته باشیم که آمار طلاق پایین می آید در واقع چنانچه ازدواج ها بر اساس اصول بوده و پایه و اساس آن محکم باشد، ازدواج ها پایدار خواهد بود.

عدم شناخت کافی در بین زوجین:

برخی از زوجین معتقدند که نباید دارای فرزند شوند، چرا که ممکن است در آینده طلاق بگیرند، عدم شناخت طرفین از یکدیگر از عوامل افزایش طلاق است، در حقیقت ما برای يك گواهینامه نیاز به کلاس داریم ولی بسیاری از دختران و پسران ما بدون گواهی نامه سوار ماشین زندگی شده و هر روز نیز تصادف می کنند چرا که آنها هیچ گونه آموزشی ندیده و شناختی از یکدیگر ندارند.

برخی از تفکرهای غلطی که به خانواده‌ها حاکم است، ازدواج‌های تحمیلی و اجباری است به این شکل که معتقدند که عقد پسر عمه و دختر عمو در آسمان‌ها بسته شده است، در واقع این ازدواج‌ها ناخواسته و براساس علاقه نیست.

عدم مشاوره قبل از ازدواج:

عدم مشاوره قبل از ازدواج در افزایش طلاق مؤثر است، درست است که ابتدای ازدواج دختر و پسر آزمایش خون می‌دهند ولی آزمایش فکر نمی‌دهند در واقع خون آنها به یکدیگر می‌خورد ولی فکرشان به یکدیگر نمی‌خورد و در ابتدا عاشق بوده و معلوم نیست که تا آخر به این شکل باشند. باید دختران و پسران را در آموزش و کلاس‌هایی که به عنوان آموزش قبل از ازدواج است، پخته کنیم، عنوان کرد: عدم گذشت و صبر و تحمل از عوامل افزایش طلاق است که در حال حاضر زنان صبر و تحملشان کم شده است و طرفین با کوچک‌ترین اختلاف و دعوا به دادگاه مراجعه می‌کنند در حالی که ما اصلی داریم به عنوان انتخاب عاقلانه، زندگی عاشقانه و راحل ماهرانه که باید آن را در زندگی الگو قرار دهیم.

دخالت خانواده‌ها: اختلاف زن و شوهر را بعد از آنها باید تنها مشاوره متوجه شود، در حال حاضر زوجین اکثر اختلافات خود را به خانواده می‌کشانند در واقع باید زوجین خود دعوای را مدیریت کنند و از کاه، کوه درست نکنند.

یکی از عوامل افزایش طلاق دخالت خانواده‌هاست؛ در حال حاضر با وجود ارتباطات اینترنت و موبایل، هنوز دخالت شدید خانواده وجود دارد؛ همچنین وابستگی یکی از زوجین به خانواده‌اش به این شکل که دختر کاملاً وابسته به مادر و پسر وابسته به خواهرش، منجر به افزایش طلاق می‌شود.

نازایی:

نازایی یکی از عوامل افزایش طلاق است و زوجین وقتی فرزنددار نمی‌شوند سریع اقدام به طلاق

می‌کنند.

مسائل اقتصادی یکی از دیگر عوامل طلاق محسوب می‌شود، از مسائل افزایش طلاق، آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد است.

یکی از آسیب‌هایی که طلاق برای فرزندان طلاق ایجاد می‌کند، آسیب‌های اخلاقی است؛ وقتی دست محبت پدر و مادر روی سر فرزند نباشد، معلوم نیست که کودک چگونه تربیت می‌شود در واقع هر کسی تکیه‌گاه می‌خواهد و حضور پدر و مادر در خانه در تربیت فرزندان مؤثر است.

آمار طلاق:

آمارها نشان می‌دهند نسبت طلاق به ازدواج از سال ۷۰ تا ۸۸ روند صعودی به خود گرفته است. به طوری که این روند از سال ۸۰ شدت بیشتری به خود گرفته و از هر یکصد ازدواج ۹/۴ درصد طلاق به ۱۴/۳ طلاق در سال ۸۸ افزایش یافته است. بیشترین نسبت طلاق به ازدواج مربوط به سال‌های ۸۸، ۸۷، ۸۵ و ۸۶ و کمترین آن مربوط به سال‌های ۷۵، ۷۷ و ۷۶ است. داده‌های آماری نشان می‌دهند که طلاق در سال ۸۷ در مقایسه با سال ۸۶ به جز در دو استان بوشهر با ۱/۵ درصد و کرمان با ۰/۰۷ درصد کاهش در ۲۸ استان دیگر کشور نرخ طلاق به شدت افزایش یافته است. بیشترین آمار افزایش طلاق به ترتیب مربوط به استان‌های ایلام با ۳۶ درصد، قزوین با ۲۲/۶ درصد، سیستان و بلوچستان با ۲۲/۴ درصد، خوزستان با ۲۲/۱ درصد، مازندران با ۲۰/۵ درصد، یزد با ۱۹/۹ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۱۸/۱ درصد، قم با ۱۷/۳ درصد، آذربایجان شرقی با ۱۷/۳ درصد و گیلان با ۱۶/۹ درصد است. (بهروش، در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۷، www.divorcetorm.org)

پیامد های طلاق

طلاق و از هم پاشیدگی کانون خانواده معضل اجتماعی است که پیامدهای آن از مشکلات بزرگ جوامع کنونی به شمار می رود ولی در شرایط حاضر به صورت متداول ترین راه حل يك ازدواج ناموفق درآمده است.

گسستن رابطه زناشویی و رها ساختن زندگی مشترک، زن و مردی را که با هم پیوسته بوده اند، به راه های گوناگون می کشاند ، هر چند امکان دارد، چنین زن و مردی، هر يك خوشبختی خاصی یافته یا سعادت از دست رفته را در کنار همسری دیگر بیابند اما متأسفانه چنین امکانی اندک و تنها برای حدود ۱۰ درصد اتفاق می افتد. جامعه ما نسبت به زنان مطلقه پیشداوری منفی دارد و قریب ۹۰ درصد زنان طلاق گرفته را نمی پذیرند. از طرفی دیگر مشکل وجود فرزندان در خانواده های طلاق که ناچارند به زندگی در کنار یکی از والدین بسنده کنند و روزگار را زیر سایه ناپدری یا نامادری بگذرانند، مسأله دیگری است که بسیار قصه های غم انگیز آن را شنیده ایم. این مسایل و پیامدها يك ذهنیت تاریخی منفی نسبت به طلاق را شکل داده است. این واقعیت را هر فردی می تواند دریابد که سابقه طلاق در زندگی هر فردی به عنوان يك نقطه منفی و ضعف محسوب می شود.

ایجاد چنین نگرشی در سطح جامعه و تلقی منفی از «طلاق» و زنان و مردان مطلقه، از مهمترین عوامل بازدارنده طلاق است. البته اسلام به عنوان يك دین واقع گرا نمی تواند به دلیل خطرات ناشی از طلاق در هیچ شرایطی طلاق را نپذیرد، زیرا به هر حال در مواقعی اختلافات زن و مرد درون خانواده به نقطه انفجار آمیزی می رسد که اجبار به ادامه چنین وضعی، نه تنها به بهبود اوضاع نمی انجامد، بلکه به مصایب و فجایع دردناکی منجر می شود و سلامتی زن و شوهر یا فرزندان خانواده را در معرض مخاطره جدی قرار می دهد. با وجود این ، طلاق در شرع مقدس اسلام به عنوان مبعوض ترین عمل قابل پذیرش تلقی شده و در عرف جامعه ایرانی نیز فقط به عنوان آخرین راه حل قابل پذیرش است.

امروزه در کشورمان شاهد افزایش برخی از معضلات اجتماعی هستیم و طلاق از جمله معضلاتی است که افزایش آن شکل چشمگیر و خطرناکی به خود گرفته است.

طلاق از نظر روانی و حقوقی و اجتماعی آثاری دارد که بعضی از آنها مربوط به خود دو همسر است و بعضی دیگر به خانواده آنها و در صورتی که از آن ازدواج فرزندان هم به وجود آمده باشند، جدایی تأثیر بسیار قابل ملاحظه‌ای در وضعیت کودکان آنها از جهات مختلف خواهد گذاشت.

مهمترین اثری که دارد احساس جدا شدن، تنهایی و منزوی شدن فرد است که این اتفاق احتمال سوءتعبیرها و حتی خودکشی را افزایش می‌دهد و در اینجا است که فرد از زندگی لذت نمی‌برد و احساس پوچی به او دست می‌دهد و با خود می‌گوید من برای چه زنده‌ام؟ حالا چه بر سر من می‌آید؟ از این پس چگونه باید زندگی کنم؟ بعد از این عامل بدبینی فرد نسبت به جنس مخالف و تعمیم آن نسبت به همه افراد جامعه شکل می‌گیرد. یک عامل که باعث تشدید این حس می‌شود که افراد جامعه نسبت به این افراد احساس ترحم می‌کنند و به آنها برچسب می‌زنند، در نتیجه فرد احساس کمبود بیشتر کرده و تنهایی او تشدید می‌شود. از طرفی دلسوزی بیش از حد اطرافیان و جامعه نیز باعث می‌شود مشکلات روحی افراد مطلقه تشدید شده و جو بی‌اعتمادی به وجود آید.

طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی می‌تواند زمینه بروز بسیاری از مسائل و پیامدهای متفاوت و بعضاً زمینه بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر در سطوح فردی و سطوح اجتماعی فراهم آورد. از یک سو این آثار و پیامدها می‌تواند عوارضی را برای زنان و مردان و از سوی دیگر برای فرزندان به همراه داشته باشد. (فرجاد، ۱۳۷۷: ۷۰)

الف: آثار و عوارض منفی طلاق بر زنان مطلقه

مشکلات اقتصادی و معیشتی، تن دادن به ازدواج های موقت و یا خارج از عرف اجتماعی، افسردگی، سرخوردگی و کاهش رضایت از زندگی، پذیرش نقش های چندگانه و تعدد نقش ها، روی آوردن به آسیب هایی همچون قتل، خودکشی، اعتیاد، فحشا، سرقت، انزوا و اختلال در مناسبات و تعاملات اجتماعی، مشکلات جنسی و روی آوردن به انحرافات جنسی و فساد اخلاقی، مشکلات ناشی از عدم حضانت فرزندان، دلتنگی و از دست دادن سلامت روانی و جسمی و ... از جمله آثار و پیامدهایی است که زنان مطلقه با آن درگیر می باشند.

ب: آثار و عوارض منفی طلاق برای مردان

فشارهای روحی و روانی، ابتلا به انواع آسیب ها مثل اعتیاد به مواد مخدر، الکل، اختلافات رفتاری، خودکشی، فحشا و انحرافات جنسی و قرار گرفتن در معرض انواع بیماری های عفونی و ویروسی، از دست دادن پیوندها و همبستگی با خانواده، طرد خانوادگی و اختلاف با سایر اعضای خانواده، تن دادن به ازدواج های موقت و ازدواج های ثانویه، اختلاف بین فرزندان با همسر در صورت ازدواج مجدد، از جمله آثار و پیامدهای منفی طلاق برای مردان می باشد.

ج: آثار و عوارض منفی طلاق برای فرزندان

آثار و عوارضی که طلاق برای فرزندان طلاق به همراه دارد از آن جهت قابل اهمیت است که می تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری و روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی در کودکان و نوجوانان، اضطراب، پرخاشگری و عصیان در نوجوانان، حسادت، سوء ظن و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیلی،

بزهکاری و کجروی های اجتماعی (قتل، دزدی، فحشا و ...) از دواج زودرس به ویژه برای دختران، ضعف اعتماد به نفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی (بی خوابی، سوء تغذیه، بی اشتها و یا پر خوری عصبی و ...) احساس درماندگی و سر خوردگی، تجربه عقده حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط گرم و عاطفی خانوادگی در مقایسه با دیگران و درونی سازی عقده های منفی و ضد اجتماعی، انزوای اجتماعی، گرایش به انواع انحرافات اجتماعی به جهت ضعف کنترل رفتاری و اخلاقی توسط والدین، اجتماع ستیزی و دیگر آزاری و بروز انواع خشونت های اجتماعی.

د: عوارض اجتماعی طلاق

گذشته از اعضای خانواده، آثار و پیامدهای ناشی از طلاق می تواند اجتماع را تحت تأثیر قرار داده و تبعاتی را در جامعه به همراه داشته باشد. افزایش جرایم اجتماعی، تزلزل اجتماعی و عدم ثبات جامعه، فروپاشی خانواده، به عنوان مهم ترین و اولین نهاد اجتماعی پایه، افزایش هزینه های اجتماعی برای جلوگیری کنترل جرایم و ناهنجاری ها و انحرافات ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیابانی و سایر آسیب های اجتماعی همچون فرار از منزل، تکدی گری، قتل، خودکشی، اعتیاد، قاچاق و ... افزایش تعداد زنان خودسرپرست و مشکلات معیشتی، روانی اجتماعی و اخلاقی آنان و سایر نابسامانی های شخصیتی، اجتماعی و رفتاری افراد مطلقه و فرزندان آنان از جمله عوارض اجتماعی ناشی از طلاق می باشند.

چالش ها، تهدیدها و عوامل تسهیل کننده طلاق:

شرایط، چالش ها و کاستی ها و تهدیدهای موجود می توانند تسهیل کننده و زمینه ساز گسترش پدیده طلاق در سطح جامعه باشند و در صورتی که در برنامه ریزی های اجتماعی مورد توجه قرار نگیرند همچنان با روند رو به رشد این پدیده روبه رو خواهیم بود و همان طور که ذکر گردید گذشته از پدیده طلاق، آثار

عوارض حاصل از این پدیده می تواند منجر به بروز سایر آسیب های اجتماعی گردد و در جامعه نوعی بحران اجتماعی و ناامنی را به همراه دارد.

شیوع و گسترش بیکاری در قشر جوان، اعتیاد، اختلاف طبقاتی و پایین بودن درآمدهای خانوار و گرانی، تورم و ناتوانی مالی اکثریت جوانان، ضعف مکانیزم های آموزش های اجتماعی قبل از ازدواج و ناکارآمدی مراکز مشاوره خانواده بی توجهی به تقویت بنیان های شخصیتی نسل جدید توسط خانواده و مدرسه، فقدان یا ضعف آمادگی و آگاهی جوانان به ویژه نسبت به تکنیک های ارتباطی و عاطفی، وجود برخی روحیات آسیب شناختی در خانواده ها که تسهیل کننده مداخلات آنها می گردد، توقعات فزاینده و پیش رونده زوجین از یکدیگر که با واقع گرایی همراه نیست، خارج شدن ازدواج از مدار هنجاری و خیابانی شدن ارتباطات و همسرگزینی، ترویج فرهنگ خودپرستی، خودبینی و خودمحوری، تغییر در الگوی مصرف رسانه ای که با نوعی هنجارگریزی همراه است، بی بهرگی و ضعف آگاهی زوجین از وقوف بر تکنیک های کنترل عصبی، درک غیر واقع بینانه از نقش همسری در دو جنس و انتظارات متقابل رشد تفکرات فمینیستی از یک سو و از سوی دیگر اعتقاد به تفکر مردسالاری و کاهش اعتقادات دینی و مذهبی در جوانان از جمله شرایط و زمینه هایی می باشند که می توانند شیوع و گسترش پدیده طلاق را در جامعه فراهم سازند. طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی منبعث از مجموعه علل و عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصه مباحث فرهنگی می باشد و تعیین یک عامل اصلی قطعی بروز طلاق امکانپذیر نیست. (فرجاد، ۱۳۷۷: ۷۳)

راهکارهایی برای حل معضل طلاق:

راهکارهای حقوقی:

- بازنگری قوانین مربوط به حقوق خانواده خصوصا در مورد طلاق و عوارض ناشی از آن خاصه در بحث حضانت فرزندان؛

- برقراری وحدت رویه قضایی در برخورد با مشکلات خانوادگی و پرهیز از اعمال سلیقه فردی در صدور حکم؛

- وضع قوانین جدید همراه با پیش بینی ضمانت های اجرایی لازم در خصوص مقابله با ازدواج های اجباری زودهنگام و ازدواج های مصلحتی همچون خون بس؛

- پیش بینی و تشدید مجازات افرادی که اقدام به همسرآزاری و اعمال خشونت در محیط خانواده می نمایند؛

- ایجاد و گسترش واحدهای مددکاری و ارشاد در دادگاههای خانواده؛

- اجباری شدن آموزش های قبل از ازدواج به صورت قانونی.

راهکارهای آموزشی - فرهنگی:

- آموزش شیوه های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین

آموزش مهارت های زندگی، راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت

باروری و ...؛

- ترویج فرهنگ مراجعه خانواده ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات؛

- تقویت بنیان های مذهبی و ارزش های دینی و اخلاقی در سطح جامعه؛

- ترویج فرهنگ همسان‌گزینی و تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی -

رفتاری زوجین قبل از ازدواج؛

- نفی فرهنگ جنسیت‌سالاری در خانواده‌ها از طریق آموزش روش‌های صحیح تربیتی؛

- فرهنگ‌سازی در جهت رعایت تقوا، عدالت و پابندی به ارزش‌های اخلاقی توسط همسران و اجتناب

از تعدد زوجات؛

- آموزش شیوه‌ها و معیارهای صحیح همسرگزینی و اصلاح روش‌های سنتی ازدواج؛

- ایجاد مراکز مشاوره به ویژه در دانشگاه‌ها جهت بهبود فرآیند همسریابی.

راهکارهای اجرایی:

ساماندهی نظام ثبت ازدواج و طلاق خاصه در مناطق محروم حاشیه‌ای کشور که خرده فرهنگ‌ها حاکم می‌باشند؛

ایجاد و گسترش مراکز مشاوره و مداخله در بحران‌ها و اختلافات خانوادگی؛

کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده خاصه اعتیاد، بیکاری، فقر، خشونت و ... در سطح جامعه؛

توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها به منظور کاهش فشارهای اقتصادی حاکم؛

کنترل مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی و شهرهای کوچک به کلان‌شهرها؛

- رفع تبعیضات طبقاتی و توسعه امکانات و فضاهای آموزشی، هنری، تفریحی به منظور ساماندهی اوقات

فراغت خانواده‌ها خاصه در مناطق محروم؛

- تقویت و توسعه طرح های پیشگیری از همسرآزاری و سازش خانوادگی با همکاری سازمان های غیر دولتی؛

- توانمندسازی و ایجاد فرصت های اشتغال و گسترش حمایت های بیمه ای از زنان به منظور کاهش

تبعات سوء طلاق. (منصوری, در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۷, www.magiran.com)

تدابیر برای پیشگیری و کاهش وقوع طلاق

طلاق ضربه و بحران زندگی است که تاثیر عظیم بر شخص می گذارد. افراد مشکلات مشترکی در مورد طلاق دارند. خیلی ها احساس شکست، خیانت و سردرگمی می کنند. البته این پایان داستان نیست و طلاق انتهای راه نیست و راه حل هایی نیز وجود دارد که می توان از طریق آن مشکل را قبل از وقوع حل نمود.

از آنجایی که ناآگاهی در زمینه های مختلف یکی از مهمترین عوامل طلاق است، بنابراین مشاوره دادن به افرادی که می خواهند ازدواج کنند و بالابردن سطح آگاهی آنها، در جهت موفق بودن ازدواج کمک شایان توجهی است. اینکه از وقوع طلاق تا آنجا که ممکن است جلوگیری شود، پیش بینی هایی به عمل آمده و توصیه هایی شده است از جمله::

تاکید فراوان درباره دقت در انتخاب شوهر

توصیه مکرر به خوش رفتاری و گذشت از غفلت ها و تخلفات جزئی همسر که در زندگی معمولاً پیش می آید.

تسلط بر نفس که خشم های آنی غلبه نکنند و اقداماتی عجولانه انجام نگیرد. تشکیل محکمه داخلی خانوادگی برای حل اختلاف دو همسر.

سخن آخر...

در کنار آنچه با عنوان راهکارها و پیشنهاداتی در جهت کاهش و پیشگیری از طلاق مطرح گردید، لازم است در بررسی این پدیده توسط محققین، مسئولان و برنامه ریزان نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱- هر چند گسترش نرخ طلاق به عنوان یکی از مصادیق آسیب های اجتماعی موجبات نگرانی مسئولین و برنامه ریزان نظام را در پی داشته است، لیکن توجه به این مسئله ضروری است که در بسیاری از موارد به رغم وجود اختلافات و ناسازگاری های مداوم و طویل المدت زوجین و به دنبال آن ظهور پیامدهای منفی و گسترده این ناسازگاری ها در سطح خانواده و جامعه (که حتی می تواند گسترده تر از پیامدهای طلاق باشد همچون همسرکشی) طلاق رخ نمی دهد و در این شرایط بر خلاف واقعیت های لازم التوجه به واسطه عدم وجود آمار و ارقام دقیق، ناسازگاری های زناشویی نمود واقعی نداشته لذا بررسی میزان شدت، علل و مکانیزم های کنترل ناسازگاری های خانوادگی پیش از بررسی راهکارهای کنترل طلاق یکی از ضروریات دارای اولویت است.

۲- در بررسی علل طلاق توجه به حقوق موضوعه نیز حایز اهمیت است چرا که در بررسی مواردی که یا زن متقاضی طلاق باشد نشانگر تفاوت و اختلافات اساسی در علل طلاق ضروری است تا اختیارات گسترده و فراوان در حق طلاق کنترل شود و از سوی دیگر موضوع طلاق برای زن یک موضوع غیر ممکن و لا ینحل (که دارای پیامدهای منفی در صورت وقوع می باشد) نگردد.

۳- با عنایت به لزوم شناخت دقیق و همه جانبه میزان علل و عوامل بروز پدیده طلاق خاصه دلایل مورد پذیرش دادگاهها به عنوان پیش شرط ارائه مکانیزم های مؤثر و دقیق ویژگی های افراد مطلقه که نتایج آن

نیز قابل تعمیم و استناد باشد ضروری است و بدون انجام چنین تحقیقی ارائه مکانیزم پیشگیرانه امکانپذیر نیست.

۴- طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی منبعث از مجموعه علل و عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصه مباحث فرهنگی می باشد و تعیین یک عامل اصلی و قطعی بروز طلاق امکانپذیر نیست. بنابراین همچنان که در بسیاری از مطالعات بیان گردیده است، عواملی همچون تعارضات فرهنگی، ناهماهنگی های طبقاتی، گسترش شهرنشینی، خشونت های خانگی، گسترش سطح آگاهی و ارتباطات اجتماعی افراد خاصه در زنان، دخالت های بی مورد دیگران، ازدواج های اجباری، تعدد زوجات، اعتیاد، فقر و بیکاری، محکومیت های درازمدت، بدآموزی وسایل ارتباط جمعی، نارسایی های جسمی - روانی هر یک می توانند به نوعی گسترش وقوع و یا احتمال طلاق را افزایش دهد. لیکن تعیین عامل اصلی بروز طلاق همان گونه که ذکر گردید امکانپذیر نیست. بنابراین می بایست علل واقعی طلاق را با استناد به موضوعات مطرح شده در طی شکایات خانوادگی مورد بررسی قرار داده و سپس به ارائه مکانیزم پرداخت.

۵- به منظور بررسی دقیق پدیده طلاق، شدت و پیامدهای آن می بایست طلاق ها را از حیث طول مدت زندگی مشترک مورد بررسی قرار داد و طلاق ها را به طلاق در دوران عقد (که بیشتر در قالب فسخ نکاح قالب بررسی می باشد)، طلاق طی دو سال اول زندگی، طلاق در ده سال زندگی مشترک و طلاق پس از ده سال زندگی مشترک تفکیک نمود و به تفاوت علل و پیامدهای طلاق به لحاظ زمانی در بررسی ها و اقدامات اجرایی توجه نمود. همچنین ارائه مکانیزم برای پیشگیری از وقوع طلاق مستلزم لحاظ نمودن توزیع استانی و محل سکونت افراد می باشد. (www.magiran.com, ۱۳۹۱/۱/۲۷)

فصل چهارم

گزارش بررسی معضل خشکسالی در ورزنه



مقدمه:

یکی از بزرگ ترین مشکلات شهر ورزنه که در سال های اخیر تبدیل به معضلی بزرگ برای مردم این شهر شده خشکسالی است. و چون شغل اهالی شهر ورزنه بیشتر کشاورزی و دامداری می باشد از این معضل بسیار رنج می برند. غرض از این گزارش این است تا وضعیت این مردمان را بیان کرده و بگوش دیگران رسانده شود و شاید کمکی به آنها رسد، صدای این مردمان چند سالی است بلند است و بگوش تمامی کسانی که به آن واقف باید باشند رسیده است و در پی رفع چاره نیز بوده اند ولی آنقدر وضع وخیم است حتی جریان آب کمی که در داخل اصفهان جهت زنده داشتن این رود زیبا در شهر می گذشت متوقف گردیده است و وضعیت کشاورزی شهر ورزنه نیز مانند سایر شهر های استان اصفهان بر اثر کم آبی مطلوب نیست و آب کافی نیز برای این محصولات موجود نیز نمی باشد و اکوسیستم ورزنه نیز بر اثر خشکسالی تغییرات زیادی داشته و این تغییر خود بخود روی مردمانی که حیاتشان به کشاورزی و درآمد حاصل از آن بسته است اثرات سوئی گذاشته است ولی دلیل و چاره کار کدام است؟ زندگی عمده مردم ورزنه از درآمد کشاورزی تامین می شود و آب از مهمترین نیازهای یک کشاورز به شمار می آید. در دو سه سال اخیر زندگی مردم ورزنه بدترین وضعیت ممکن بوده؛ به طوری که زندگی بسیاری از شهروندان در این شهر مختل شده است. در قدیم زن ها دور هم گرد می شدند اما به دلیل بیکاری و نبود آب موضوع بر عکس شده و مردهای بیکار دور هم جمع می شوند. در مجموع اوضاع به شکلی شده است که بسیاری از کشاورزان به دلیل بی پولی در کنترل زندگی خود در مانده اند. از طرفی دیگر درآمد شهرداری هم کاهش زیادی پیدا کرده است؛ چرا که مراجعات مردم و ساخت و سازها بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته و کسی سرمایه ای برای پرداخت عوارض و ساخت و ساز ندارد. در حال حاضر آب طبق مدیریت امور آب در استان در دسترس کشاورزان برای کشت پاییزه قرار گرفته است ولی اگر این آب مجدداً بسته شود شروع فصل گرما بحران بی آبی زندگی کشاورزان را خواهد گرفت. تالاب گاوخونی هم به شکلی شده که

تمامی مساحت آن نمک بالا زده و حالت مردگی به خود گرفته است. از چهار حلقه چاه آب شهرداری ورزنه سه حلقه چاه خشک شده است و بی آبی در این شهر بیداد می‌کند. اگر آب در دسترس مردم مناطق شرق و مردم ورزنه قرار بگیرد، شهر دوباره زنده خواهد شد. در این فصل سعی شده تا این معضل را به طور کامل مورد بررسی قرار دهیم دلایل این مشکل را ریشه یابی کرده و به ارایه راه حل بپردازیم.



علل و عوامل بروز و تشدید خشکسالی در ورزنه:

یکی از دلایل مهم آن طبق نظر کارشناسان تغییرات آب و هوایی با توجه به گرم شدن هوا و در نتیجه بارندگی کمتر در مناطق خشک می باشد و کشور ما نیز از این پدیده که عامل آن بیشتر ایجاد بیش از حد آلودگی است مستثنی نمی باشد.

مردم شهر ورزنه معتقدند که یکی از مهم ترین دلایل خشکسالی در این منطقه انتقال آب از زاینده رود به استان یزد می باشد.

یکی دیگر از دلایل خشکسالی در این شهر افزایش جمعیت و استفاده بی رویه و بدون برنامه آب در بخش مصارف خانگی و کشاورزی می باشد.

مشکلات خشکسالی و کمبود آب در منطقه بن رود و شهر ورزنه:

(۱) خشکسالی و گرمای کم سابقه هوا در شهر ورزنه امسال تابستان سختی را برای مردم ورزنه ایجاد کرده است.

(۲) بوی لجن و بوی نامطبوع ناشی از فاضلاب انسانی مشکل مردم ورزنه را دو چندان کرده است. در سالهای گذشته زاینده رود دارای مقداری آب بود که از حاشیه زاینده رود به درون آن تراوش می کرد و این میزان آب در نهایت سبب کاهش غلظت آلاینده ها می شد اما متأسفانه اکنون زاینده رود در محل شهر ورزنه خشک شده و تنها آب موجود در زاینده رود در حد فاصل دوپل تاریخی و تازه تاسیس ورزنه، آب فاضلاب خانه های تعدادی از شهروندان ساکن بافت قدیم شهر ورزنه است.

(۳) با وقوع خشکسالی های اخیر نیز جریان آب به تالاب گاوخونی کاملاً قطع گردیده به طوری که سطح تالاب

در حوضه ي زاینده رود و تشدید اثرات آلودگی آب نه تنها تعداد ماهیان و مرغابیان به کم ترین حد کلاً از نمک پوشیده و عاری از هر گونه نشانه های حیاتی شده است. ادامه ي این شرایط بدون شک فرایند بیابانی شدن منطقه را تسریع خواهد کرد.

۴) به دنبال وقوع خشکسالی خود رسید، بلکه اثرات این پدیده بر روی تولید مثل جمعیت پرندگانی که به این منطقه مهاجرت می کنند نیز آشکار شد. با وجود این، با وقوع خشکسالی و کم شدن آب چشمه ها، کاهش پوشش گیاهی، کاهش میزان تخمگذاری پرندگان، افزایش میزان تلفات در جوجه ها و حتی مهاجرت حیات وحش در این مناطق مشاهده و گزارش شده است.

۵) خشک شدن تالاب می تواند زندگی پرندگان و حشرات را محدود کند و همچنین زمینه را برای بروز برخی موجودات ریز و آفات مساعد نماید.

۶) بسیاری از اثرات خشکسالی در بخش کشاورزی و فعالیت های وابسته به آن صورت می گیرد. در واقع خشکسالی سبب کاهش کیفیت محیط زیست می گردد و عاملی برای برخی پیامدهای اجتماعی شامل درگیری بین استفاده کنندگان از آب، کاهش کیفیت زندگی و مسأله ي مهاجرت از روستا به شهر و مهاجرت از کشور است. گاهی این خطر جدی تا چندین نسل بعد نیز باقی خواهد ماند.

در کشور ما و استان اصفهان نود درصد آب های موجود، در بخش کشاورزی به مصرف می رسد. به همین سبب با کاهش میزان آب و وقوع خشکسالی، بیش ترین آسیب متوجه این بخش از فعالیت های اقتصادی می گردد. کاهش میزان محصول، هجوم آفت ها و تشدید اثرات استفاده از آفت کش ها از مهم ترین و شناخته شده ترین اثرات خشکسالی بر بخش کشاورزی به شمار می آیند.

۷) با محدود شدن منابع آب، فضای سبز شهری نیز تحت تأثیر قرار گرفته و خسارت های زیادی را همراه خواهد داشت.

۸) وقوع خشکسالی اثرات جدی بر تأمین به موقع آب مراکز سکونتی دارد.

۹) وجود آب در این منطقه مثل تمام مناطق خشک علاوه بر تمام اهمیتی که در تأمین نیازهای اصلی انسان دارد از نظر زیبایی نیز اهمیت دارد. تماشای رودخانه ای که از میان شهر ورزنه عبور کرده و باتلاق گاوخونی و طبیعت اطراف آن و گذراندن ساعاتی از اوقات فراغت در کنار آن ها آرامش روحی به انسان می دهد که متأسفانه در سال های اخیر به علت خشکسالی رودخانه ورزنه در اغلب اوقات سال خشک است و بوی تعفن می دهد و به همین علت به محلی برای تجمع پشه و حشرات دیگر تبدیل شده که همین مسئله باعث مش شود مردم نتوانند از چشم انداز این رودخانه و فضای سبز اطراف آن استفاده کنند.

اقدام مردم منطقه برای مبارزه با خشکسالی:

در روزششم و هفتم فروردین ماه سال نود مردم منطقه شرق اصفهان به ویژه مردم کشاورز ورزنه با حدود ۷۰۰ دستگاه تراکتور راهی اصفهان شدند تا اعتراض خود را به خاطر قطع حق آبه تاریخی شان از زاینده رود در مقابل چشم مسافران نوروزی به گوش مسئولان استان برسانند. تجمع این کشاورزان چند ماه طول کشید اما نتیجه قابل توجهی در بر نداشت. تنها تأثیر تجمع و ابراز نارضایتی های کشاورزان و دامداران مناطق شرقی اصفهان، برکناری مدیر عامل سازمان آب منطقه ای اصفهان به تصمیم ذاکر اصفهانی استاندار اصفهان بود و قول مساعد او برای جبران خسارت ناشی از خشکسالی به کشاورزانی که نتوانسته اند کشت داشته باشند.



این معترضان در پایان توانستند پس از تشکیل زنجیره انسانی حول وسایل تخریب کننده با در دست داشتن پرچم و پلاکارد اعتراض خود را به بهره بردار و مسئولین صادر کننده مجوز بهره برداری اعلام داشتند و مواردی را که در بیانیه آمده قرائت و در آخر ۱۵ بند بیانیه مورد تایید اجتماع کنندگان قرار گرفت . در پایان بیانیه توجه مسئولین ذی ربط خصوصا " سازمان محیط زیست ، اداره منابع طبیعی ، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری را به موارد زیر معطوف می دارد :

۱- ما خواهان اجرای اصل پنجاهم قانون اساسی هستیم که بیان شده است " حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند ، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است و با بر اساس اصل ۸ قانون اساسی تجمع کنندگان وظیفه مذهبی و ملی خود می دانند که در مقابل این عمل غیر قانونی اعتراض کنند .

۲- مجموعه اکوسیستم تالاب شامل زاینده رود، گزستان، دلتای رسی، کوه، تلماسه و غیره است که در

صورت تخریب کوه سیاه و اکوسیستم تالاب این تالاب از لیست تالابهای بین المللی رامسر حذف خواهد شد و در لیست تالاب هایی که به حالت ناپایداری کامل در آمده اند (سایت موننترو) در خواهد آمد بنابراین کوه سیاه باید جزئی از اکوسیستم تالاب باقی بماند.

۳- تالاب بین المللی گاوخونی و اکوسیستم بی نظیر جزء سرمایه های ملی و طبیعی است و متعلق به عموم مردم است و نباید سود آن به جیب عده ای خاص برود لذا در اسرع وقت خواهان توقف عملیات تخریب کوه سیاه که به مثابه چشم تالاب محسوب می شود هستیم و در صورت حذف تنها چشم انداز تالاب به فرار سیدن مرگ حتمی تالاب کمک کرده ایم و در غیر این صورت و عدم توجه به خواسته مردم و دوستداران محیط زیست تالاب عواقب بعدی متوجه شخص بهره بردار خواهد بود.

۴- با توجه به اینکه در سفر استانی ریاست محترم جمهور منطقه تالاب بین المللی گاوخونی به عنوان یکی از مناطق نمونه بین المللی گردشگری استان اصفهان به تصویب رسید ولی متأسفانه پس از گذشت چندین ماه از اجرایی شدن مصوبات خبری نیست و چون این منطقه دارای اقتصاد تک محصولی کشاورزی است و در برابر خشکسالی بسیار آسیب پذیر است با ایجاد تاسیسات و زیر ساخت های گردشگری و صنعت شرایط اشتغال را در این بخش فراهم آورند.

۵- باعنایت به اینکه در صورت احیا مسیر تاریخی جاده ابریشم از فاصله مسیر اصفهان _ یزد حدود ۷۰ کیلومتر کاسته می شود و مسئولین نیز بارها وعده احداث و آسفالت این مسیر را داده اند و تالاب نیز در این مسیر واقع شده است، خواهان تسریع در احداث مسیر ورزنه _ ندوشن یزد هستیم .

۶- متأسفانه عدم تامین حق آبه تالاب در سالهای اخیر صدمات زیادی به اکوسیستم تالاب وارد نموده به طوری که برای چندین سال متوالی با گرم شدن هوا شاهد نابودی هزاران ماهی کپور در تالاب هستیم لذا خواهان برقراری سهم آب تالاب و حداقل آب مورد نیاز آن توسط سازمانهای مربوطه و تسریع

در سرمایه‌گذاری‌های مربوط به انتقال آب از سرچشمه‌های مجاور زاینده‌رود هستیم و درخواست داریم سهم مناسبی از آب رودخانه به حفظ حیات تالاب و امور گردشگری آن اختصاص داده شود.

۷- از آنجا که آلودگی‌های صنعتی، شهری، روستایی و زه‌کشی اراضی شور خصوصاً "زهکش شور سگزی و انتقال مستقیم و غیر مستقیم آنها به زاینده‌رود از مهمترین موانع توسعه گردشگری حوضه تالاب گاوخونی به شمار می‌رود تدابیری سهل الحصول و لازم الاجرا برای جلوگیری از ورود آن آلودگی‌ها به زاینده‌رود و در نهایت به منطقه تالاب اندیشیده و اجرا شود.

۸- با توجه به احداث شبکه جدید آبیاری رودستین، ترتیبی اتخاذ گردد که بندهای سنتی آبیاری منطقه‌ای همچنان جلوه‌های دل‌انگیز گردشگری خود را حفظ نمایند.

۹- با تبدیل علفزارهای طبیعی منطقه به پارک ملی و توسعه جنگلهای کویری حوضه تالاب (با استفاده از منابع آب سرریز بند شاخ میان و شاخ کنار و چاه آرتزین شور حاشیه تالاب، به تجدید حیات وحش تالاب انواع گورخر، اسب، قاطر، غزال و دیگر جاندارانی که بومی این علفزارها بوده‌اند) و در اواخر رژیم گذشته و اوایل پیروزی انقلاب اسلامی طی شکار مفرط منقرض شدند، بذل توجه ویژه گردد و در حفظ کند

۱۰- چون توانهای نهفته تالاب گاوخونی از نظر علمی از جمله خواص درمانی لجن‌ها و دیگر منابع طبیعی آن به درستی شناخته نشده است، اولویت مطالعات کویر شناسی مذکور به کشف اینگونه توانهای نهفته حوضه تالاب اختصاص یابد.

۱۱- تالاب گاوخونی به عنوان يك اکوسیستم طبیعی و بخش فعال از حوضه زاینده رود شناخته شود و تصور عمومی نسبت به این آبگیر به عنوان باتلاق اصلاح شود.

۱۲- قوانین و مقررات مربوط به حفاظت از این اکوسیستم بطور جی و مداوم اجرا شود و زمینه‌های لازم برای تبدیل این تالاب به عنوان يك منطقه حفاظت شده فراهم شود.

۱۳- با توجه به استعداد بالقوه تالاب و تنوع اکوسیستم آن که شامل رودخانه ،

تالاب،گزستان،استپ،تلماسه، نمکزار و کوه است و می توان تفریحات سالم مانند قایق سواری ،شتر سواری ،موتورسواری ،تماشای آسمان صاف و پر ستاره کویر و موارد متعدد دیگری روی پتانسیل های گردشگری تالاب مطالعه شود و شرایط توسعه گردشگری طبیعی (با حفظ شرایط طبیعی آن) مورد بررسی قرار گیرد

۱۴- شهرتاریخی ورزنه نزدیکترین شهر به تالاب گاوخونی است و از قدیم الایام کشاورزان و دامداران ورزنه در منطقه تالاب حضور داشته اند ونام شهر ورزنه با تالاب گاوخونی عجین شده است و گاوخونی جزء تفکیک ناپذیر ورزنه است لذا خواهان اصلاح نقشه سیاسی شهرستان اصفهان و الحاق مجدد بخش از گاوخونی به بخش بن رود و تفکیک آن از بخش جلگه می باشیم و در پایان جهت حفظ هویت تاریخی این منطقه پیشنهاد می نمایم نام بخش بن رود به بخش ورزنه با گاوخونی تغییر یابد.

۱۵- با توجه به همجواری دو بخش وسیع و پرجمعیت بن رود و جرقویه با تالاب گاوخونی، خواهان تبدیل این دو بخش به شهرستان جهت ایجاد امکان رسیدگی بیشتر به وضعیت تالاب می باشیم. در پایان پس از تأیید بیانیه توسط اجتماع کنندگان، تجمع بدون هیچ گونه مشکلی به پایان رسید.

(کشوری, در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲, www.varzanehmiras.ir)

تصاویر تجمع تراکتورها در منطقه بن رود:







راهکارهای پیشنهادی برای حل این معضل:

تخصیص وام های کم بهره برای کشاورزان خسارت دیده

بازنگری و تصویب قوانین لازم به منظور حفظ جریان رودخانه و جلوگیری از خشک شدن آن

تغییر الگوی زراعی کشاورزان، استفاده از ارقام کم مصرف، استفاده از روش های کم آبیاری

تأمین خسارت های خشکسالی، جلوگیری از بهره برداری های غیرضروری از سدها

برنامه های ترویجی و آموزشی به منظور اطلاع رسانی و به هنگام نگهداشتن آگاهی های عمومی و

ترغیب مردم به صرفه جویی

جلوگیری از انتقال بی رویه آب زاینده رود به یزد و کاشان

مدیریت صحیح برای استفاده مناسب از آب سد بزرگ زاینده رود در بخش کشاورزی

فصل پنجم

گزارش علمی

(خشکسالی)

تعریف خشکسالی از دیدگاه های مختلف:

هواشناسان خشکسالی را بارش کمتر از حد معمول که منجر به تغییر الگوی آب و هوایی می گردد، تعریف کرده اند. بنابراین خشکسالی از نظر هواشناسی اساساً به حالتی از خشکی ناشی از کمبود بارندگی اطلاق میشود.

دیدگاه اقلیم شناسی:

از دیدگاه اقلیم شناسان خشکسالی يك پدیده طبیعی است که در اثر تغییرات الگوهای آب و هوایی ناشی از کاهش نزولات جوی کمتر از حد معمول خود به خود می آید و ادامه آن موجب عدم تعادل اکولوژیکی و هیدرولوژیکی می شود. از طرفی چون از دیدگاه جغرافیایی تعریف خشکسالی مفهومی مکانمند می باشد، شدت خشکسالی در هر محل تابعی از ضریب تغییرپذیری بارش در همان محل است بنابراین از نظر اقلیم شناسی خشکسالی قابل تعیین است به طوری که در این روش درجه خشکسالی وترسالی تعیین می گردد.

دیدگاه هیدرولوژیکی:

از دیدگاه هیدرولوژیست ها خشکسالی زمانی اتفاق می افتد که سطح تراز ذخایر آبهای سطحی و زیر زمینی از حد معمول خود پایین تر باشد. خشکسالی هیدرولوژیک اغلب در عرضهای میانی بر اثر کمبود و فقدان بارش زمستانی اتفاق می افتد. علاوه بر بارش فاکتورهای اقلیمی دیگرمانند دماهای بالا، بادهای قوی و رطوبت نسبی کم نیز به طور قابل ملاحظه ای بر روی خشکسالی هیدرولوژیک تأثیر دارند.

در دیدگاه هیدرولوژیک اندازه گیری میزان آبهای جاری - رودخانه ها - دریاچه ها و آبهای زیرزمینی معیار خشکسالی میباشد و یک زمان پایه بین فقدان بارندگی و کم شدن آبهای جاری و رودخانه ها و آب دریاچه ها و آبهای زیرزمینی وجود دارد. بنابراین معیار هیدرولوژیک نمی تواند اولین نشانگر خشکسالی باشد زیرا زمانی که کمبود بارش اتفاق بیفتد بعد از مدتی این کاهش در آبهای سطحی و زیرزمین منعکس خواهد شد.

دیدگاه کشاورزی :

از دیدگاه کشاورزی زمانی که رطوبت خاک از نیاز واقعی محصول کمتر باشد و منجر به خسارت در محصول شود خشکسالی اتفاق افتاده است. چون در محاسبه نیاز آبی گیاهان مشخص شده که نیاز آبی آنها باهم متفاوت است بنابراین مفهوم خشکسالی از دیدگاه کشاورزی برای محصولات مختلف یکسان نمی باشد. از دیدگاه کشاورزی درجه خشکسالی به روش پنمن ماننیت و روش باران مؤثر انجام می شود همچنین روش پنمن ماننیت از طرف FAO به عنوان بهترین روش برای تعیین درجه خشکسالی کشاورزی معرفی شده است. خشکسالی کشاورزی معمولاً بعد از خشکسالی هواشناسی و قبل از خشکسالی هیدرولوژیک اتفاق می افتد و کشاورزی معمولاً اولین بخش اقتصادی است که تحت تأثیر خشکسالی قرار میگیرد.

دیدگاه اجتماعی و اقتصادی:

از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی خشکسالی یعنی زمانی که کمبود آب برای نیازهای بشر موجب نابهنجاریهای اجتماعی و اقتصادی شود. (شایان, ۱۳۸۷: ۳۴)

علل خشکسالی در ایران:

کشور ایران به خاطر قرار گرفتن در کمربند خشک جغرافیایی و نوار بیابانی که در ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی واقع شده است، از شرایط آب و هوایی برخوردار است که جزو مناطق کم باران جهان بشمار می آید. در فصول سرد، همزمان با عقب نشینی سیستم پر فشار جنب حاره، تحت تأثیر سیستم های کم فشار مدیترانه ای از غرب و سودانی از جنوب غرب قرار می گیرد که سیستم های مذکور در بستر بادهای غربی ایران را جولانگاه فعالیت خود قرار داده و بارشهای عمده ای را سبب می شوند. در این زمان سیستم پر فشار سیبری نیز به خاطر عقب نشینی پر فشار جنب حاره، پیشروی نموده و بخش های شمالی و مرکزی ایران را تحت تأثیر خود قرار می دهد. جریان های شمالی و شمال شرقی که افت دمایی و هوای سرد و خشک را به همراه دارد و از خصوصیات بارز این سیستم که در تلاقی با جریانهای هوای غربی

تشکیل جبهه هایی را می دهد ، ایجاد بارش های قابل توجه می باشد . علاوه بر این ، سیستم یاد شده

منشاء اصلی ایجاد بارندگی های شمال ایران نیز محسوب می شود.

با وجود قرارگرفتن کشور ایران در کمر بند خشک جهانی تغییر پذیری شدید اقلیمی بارش تنها معادل یک سوم متوسط جهانی دارد. بر اساس گزارش ها در سال ۱۳۸۰ حدود ۲/۶ میلیون هکتار زراعت آبی و ۴ میلیون هکتار زراعت دیم و ۱/۱ میلیون هکتار از باغات تحت تاثیر خشکسالی قرار گرفته اند. خسارت ناشی از خشکسالی بر باغات در این سال بالغ بر ۵۲۰ میلیون دلار بود. بر اساس تحقیقات انجام گرفته در کشور، اثر مستقیم خسارت ناشی از کاهش هر ۱ میلیمتر بارندگی برابر ۹۸ میلیارد ریال می باشد. با فرض آنکه تفاوت میزان آب استحصالی در ترسالی در مقایسه با خشکسالی ۱۳ میلیارد متر مکعب باشد، خسارت کاهش سطح زیر کشت ناشی از آن برابر ۱۲۷۴ میلیارد ریال می گردد.

۱- میانگین بارندگی سالانه کشور حدود ۲۵۰ میلیمتر است که این عدد کمتر از میانگین بارندگی آسیا و حدودیک سوم میانگین بارندگی سالانه جهان می باشد.

۲- وجود آب و هوای خشک و نیمه خشک در کشور و مشکلات ناشی از تغییرات آب و هوایی در طول سال و عبور کمربند بیابانی از کشور ایران.

۳- توزیع نامتعادل طبیعی مکانی و زمانی جریان آبهای سطحی و عمقی (آبهای زیر زمینی) در انطباق با نیازهای آبی.

۴- ریزش های جوی و آبهای سطحی کم، وضعیت نامشخص سطح آبهای زیر زمینی و محل آنها و عدم دسترسی آب دریا به منطقه استانهای مرکزی و کویری.

۱. ۵- عدم برنامه ریزی در احیاء و مصرف آب (اعم استفاده از آبهای زیر زمینی - آبرسانی به

مناطق مختلف)

۶- تفاوت های اقلیمی و فرهنگی بیش از حد و شرایط توپوگرافی و جغرافیایی کاملاً متفاوت در نقاط

مختلف کشور. (شایان، ۱۳۸۷: ۴۷)

اقدامات مقابله با خشکسالی در ایران:

۱- برنامه های ارزیابی شامل:

-ارایه تعریف واحد و جامع از خشکسالی و انتخاب روشی روشن برای محاسباتی مناسب برای برآورد

خشکسالی

- تجزیه و تحلیل خشکسالی بر اساس شاخصهای تعریف شده

- تعیین نوع و چگونگی اجرای عملیات مقابله با خشکسالی

- ارزیابی خسارت های ناشی از کمبود آب و تعیین زمان و نوع اقدامات مناسب

- ارزیابی شبکه های دیده بانی بر اساس اطلاعات مورد نیاز و ارائه راهکارهای توسعه و تکمیل شبکه

۲- برنامه های تدوین و تصویب قوانین جدید و ارزیابی قوانین قبلی که به طور عمده راهکارهای زیر را

شامل می شود:

- بررسی و تجدید نظر در حقابه ها و تعدیل آنها برای شرایط کم آبی

- تخصیص وام های کم بهره برای کشاورزان خسارت دیده

- بازنگری و تصویب قوانین لازم به منظور حفظ جریان رودخانه ها و جلوگیری از خشک شدن آنها

- جلوگیری از توسعه شهری در مناطقی که با بحران خشکسالی مواجه اند

- تدوین و تصویب قوانین لازم برای صرفه جویی در مصرف آب

۳- برنامه های ترویجی و آموزشی به منظور اطلاع رسانی و به هنگام نگهداشتن آگاهی های عمومی و ترغیب مردم به صرفه جویی

۴- برنامه ارایه کمک های فنی و ایجاد الزام برای استفاده از منابع جدید نظیر تغییر الگوی زراعی، استفاده از ارقام کم مصرف، استفاده از روش های کم آبیاری، تولید بر مبنای تنش آبی در بخش کشاورزی، بازیافت پساب های صنعتی در بخش صنعت همچنین برنامه های توسعه، استفاده از منابعی که در شرایط معمولی بهره برداری از آنها مقرون به صرفه نمی باشد (توسعه استفاده از منابع جدید) و تغییر نوع بهره برداری از منابع نظیر صدور مجوز بهره برداری های اضطراری یا تجدید نظر در مدیریت بهره برداری از سدها

۵- برنامه افزایش بازده بهره برداری از منابع آب و نزدیک کردن بازدهی بهره برداری به بازده پیش بینی شده یا مورد انتظار در بخش کشاورزی، صنعت و آب شهری

۶- برنامه های ضربتی نظیر اصلاح سامانه های آبرسانی و توزیع آب، تأمین خسارت های خشکسالی، جلوگیری از بهره برداری های غیرضروری نظیر بهره برداری تفریحی از سدها، اعمال معافیت های مالیاتی و برنامه های اضطراری و تعرضی نظیر خرید حقابه کشاورزان و تغییر حقابه و تشدید راهکارهای جلوگیری از بهره برداری از منابع سطحی و زیرزمینی.

مدیریت بحران، بیشتر جنبه های تنش زا و بحران های اجتماعی و اقتصادی ناشی از بروز خشکسالی و اقدامات اضطراری و واکنشی برای کنترل این پدیده را مد نظر قرار می دهد و در مدیریت ریسک، کلیه

پدیده های ناشی از شروع تداوم و شدت خشکسالی بررسی شده و راهکارهای مؤثر میان مدت و بلند مدت برای پیش بینی و مقابله با حالت های مختلف خشکسالی تبیین می شود. (شایان, ۱۳۸۷: ۵۱)

جمع بندی:

خشکسالی ها یکی از تغییرات معمول اقلیمی می باشند که بسیاری از مناطق خشک و نیمه خشک دنیا را با شدتهای زیاد هر چند سال یکبار در بر می گیرد. در بسیاری از سالها هم رخداد خشکسالی برای مدتی مشخص نیست از این رو شناسایی خشکسالی خود یافته ای ارزشمند برای مدیریت منابع آبی مناطقی چون ایران که بخش اعظم آنرا مناطق خشک و نیمه خشک تشکیل می دهد محسوب خواهد شد. بنا به سوابق تحقیقی به منظور شناسایی شدت و گسترش خشکسالی عموماً شاخصهایی توسعه داده شده است که هر کدام ورودیها و شرایط استفاده خاص خود را دارا می باشند. با توجه به در دسترس بودن اطلاعات اقلیمی بسیاری از این شاخصها متغیرهای هواشناسی را بعنوان ورودی در نظر می گیرند. از بین متغیرهای اقلیمی نیز بارش بعنوان مهمترین متغیر تعیین کننده در شرایط خشکسالی است. بارندگی مهمترین متغیری است که تغییرات آن به طور مستقیم در رطوبت خاک و جریان های سطحی، تغییرات مخازن زیرزمینی آب و غیره منعکس می شود. بر پایه مطالعات پیشین در بین شاخصهای مبتنی بر بارش شاخص SPI یکی از پرکاربردترین شاخصهای بررسی خشکسالی هواشناسی در جهان و ایران محسوب می شود. این شاخص از برآزش توزیع گاما به داده های بارندگی مقادیر بی بعدی را ارائه می کند که خود حالت نرمال داشته و می توانند در تعمیم اطلاعات نقطه ای به اطلاعات منطقه ای توسط مدلهای زمین آماری چون کریگینگ کاربرد داشته باشد، زیر شرط استفاده از این تکنیکها نرمال بودن داده هاست در حالیکه داده های بارش عموماً نرمال نیستند. بدین ترتیب امکان بررسی مکانی خشکسالی را تسهیل می نماید. (معماریان, ۱۳۷۲: ۴۷)

فهرست منابع:

_ خلیلی ورزنده, رضا (۱۳۸۴) معرفی جاذبه های تاریخی و طبیعی فولکلوریک شهر ورزنده و بخش

بن رود, شرکت چاپ و نشر ایران

_ شایان, سیاوش (۱۳۸۷) جغرافیا, شرکت چاپ و نشر ایران

_ فرجاد, محمد حسین (۱۳۷۷) مسائل اجتماعی ایران, تهران, انتشارات اساطیر

_ معماریان, حسن (۱۳۷۲) زمین شناسی, دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی, شرکت چاپ و نشر

ایران

_ نجاری ورزنده, حبیب الله (۱۳۸۲) تالاب بین المللی گاوخونی, انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست

منابع اینترنتی:

www.divorcetorm.org _

www.jkaraj.net _

www.magiran.com _

www.ommid.com _

www.varzanehmiras.ir _